



معاونت اسناد
(آرشیو ملی ایران)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اسناد مذاکرات نفتی

متن کامل سه گزارش دکتر مصدق
درباره مذاکره با انگلیس و آمریکا



▲ دکتر مصدق در حال مذاکره با جورج میدلتن، کاردار انگلیس



«دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصلی ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول می‌نمایند.» این نامه‌ای بود که جی. اچ. میدلتن، کاردار سفارت بریتانیا در تهران به باقر کاظمی، وزیر امور خارجه ایران در ۱۱ مرداد ۱۳۳۰ نوشت؛ گرچه لندن دو سال بعد با کودتایی مشترک با دولت آمریکا، دولت دکتر محمد مصدق، مجری همین اصل و قانون که روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا به تصویب رسیده بود را ساقط کرد.

نامه میدلتن در متن گزارش مصدق به مجلس شورای ملی در جلسه ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ «راجع به شناسائی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و شرکت سابق نفت» به طور کامل آمده است. گزارشی با منشا سند وزارت دارائی درباره مذاکره مصدق با آورل هریمن، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که به شماره ۱۳۶۰۸۱۰ در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.

مصدق در جلسه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ مجلسین شورای ملی و سنا، گزارش مذاکرات با هیات نمایندگی دولت انگلیس به ریاست ریچارد استوکس، مهرداد سلطنتی را به طور کامل ارائه کرد (سند ۱۵۲۵۴۹۳، منشا وزارت دارائی، اسناد و کتابخانه ملی). استوکس در این مذاکرات بار دیگر اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران طبق قانون مورخ بیستم مارس ۱۹۵۱ به رسمیت شناخت. استوکس اقدام ایران را به مثابه خودکشی دانسته که «ممکنست منجر به انقلاب و کمونیسم بشود».

مصدق در گزارش دیگری (جلسه ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی) سیاست دولت در موضوع نفت را تشریح کرد. (سند شماره ۱۳۶۳۷۱۴، منشا وزارت دارائی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی)

نخست‌وزیر ایران در این گزارش اشاره کرده که به استوکس گفته ایران در سه موضوع می‌تواند با انگلیس وارد مذاکره شود: متخصصین انگلیسی، خسارت و ضرر کمپانی شرکت نفت ایران انگلیس و منفعت انگلیس. استوکس می‌گوید از طرف دولت متبوع خود اجازه ندارد تا قضیه اول حل نشده وارد مذاکره و حل دو قضیه دیگر شود و مذاکرات معلق شد. استوکس در این مذاکرات گفت متخصصین و مستخدمین انگلیسی به هیچ‌وجه حاضر نیستند که تحت ریاست یک غیرانگلیسی باشند.

نکته مهم در گزارش مصدق آنست که «مطابق اخباری که جرائد داده‌اند و تلگراف‌هایی که از نمایندگان خودمان رسیده است آنها تصمیم دارند که دولت دیگری بیاورند تا بتوانند با آن دولت قراردادی که مطلوبشان هست منعقد کنند. بنده خدا را به شهادت می‌طلبم که این مسئله اگر برای مملکت و برای استقلال ما مضر نبود از آمدن دولت دیگر ابدای باکی نداشتیم و یک دولت دیگری اگر در این صراط می‌بود خودم استعفا می‌کردم و به استقبال او می‌رفتم و او را می‌آوردم اما نمی‌توانم مادامی که قضیه نفت حل نشده این سنجر را خالی کنم. ممکن است که دولت دیگری بیاورند و برخلاف مصالح ایران کاری بکنند آنوقت مردم می‌گویند تو که از کشته شدن باکی نداشتی و برای کشته شدن حاضر بودی از کسالت چه باک داشتی. می‌خواستی در حال احتضار هم که بودی بمانی تا این کار به صلاح مملکت حل بشود.»

اداره کل خدمات آرشیوی معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در هفتادمین سالگرد تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، متن کامل این سه گزارش دکتر مصدق را که حاوی مذاکرات حساس بین‌المللی برای اعاده حقوق ملی ایران و به رسمیت شناختن حق ملی شدن نفت ایران از سوی دولت انگلیس است را منتشر می‌کند.

متن گزارش
آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

در جلسه
۱۳ مرداد ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی

راجع به شناسائی
اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران
از طرف دولت انگلیس و شرکت سابق نفت

تهران ، ۲۰ مرداد ۱۳۳۰

در سی ام خرداد ماه گذشته اینجانب گزارش مشروح مذاکرات دولت ایران را با هیئت نمایندگی اعزامی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بعرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده و توضیح دادم که با آنکه دولت طی یادداشت هشتم خرداد ماه ۱۳۳۰ صریحاً قید کرده بود که دولت ایران فقط در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت حاضر بمذاکره است هیئت نمایندگی شرکت سابق پس از چندین بار استمهال ساعت هشت بعد از ظهر سه شنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۳۰ در کاخ نخست وزیری یادداشت غیر منتظره ای که بکلی مابین با قوانین راجع بملی شدن صنعت نفت بود تسلیم نمود و بدین جهت دولت ایران از ادامه مذاکرات خودداری کرد و دو روز بعد نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت به انگلستان بازگشتند و بلافاصله دستور خلع ید صادر و بموقع اجراء گذاشته شد.

در هفدهم تیر ماه جناب آقای سفیر کبیر امریکا نامه ای از طرف حضرت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا باینجانب تسلیم نمود که پس از اظهار علاقه بحل اختلاف پیشنهاد فرموده بودند جناب آقای اورل هریمن را بنماینده مخصوص خود بایران روانه کنند تا درباره این مسئله با اینجانب و دولت ایران بمذاکره پردازند.

اینجانب با اظهار تشکر از حسن نیت ایشان اطلاع دادم چنانچه حق ملی ما مطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت مورد موافقت واقع شود دولت ایران حاضر است بلافاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره شود و ورود نماینده حضرت رئیس جمهوری را استقبال نماید.

در تعقیب این پیام ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه بیست و سوم تیرماه جناب آقای اورل هریمن وارد تهران شدند و صبح روز بیست و چهارم تیر ماه با اینجانب ملاقات و مذاکره کردند و در تعقیب آن مذاکره و مذاکرات بعدی از طرف هیئت دولت بوزیر دارائی و از طرف هیئت مختلط با آقایان دکتر متین دفتری و دکتر رضازاده شفق و دکتر شایگان و اللهیار صالح اعضاء آن هیئت مأموریت داده شد که با آقای هریمن وارد مذاکره شوند. در نتیجه این مذاکرات در جلسه دوشنبه سی و یکم تیرماه هیئت وزیران و هیئت مختلط که در منزل اینجانب تشکیل گردید فرمول ذیل طرح و مورد تصویب قرار گرفت و بعنوان نظریه قطعی دولت ایران به آقای هریمن تسلیم شد:

هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت در جلسه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ منعقد در منزل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر فرمول ذیل را تصویب نمودند:

اولاً - در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود.

ثانیاً - دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بطهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

ثالثاً - مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیل درج میشود :
« بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد » .

برای مزید استحضار آقای هریمن یک نسخه از یادداشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان رسید .
رابعاً - دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود .

اکنون متن یادداشت نمایندگان شرکت سابق نفت که مورد قبول دولت ایران واقع نشد برای استحضار قرائت میشود :

یادداشت

در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارایی روز هشتم خرداد به نمایندۀ عمدۀ شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده نماید و حاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافی با اصل ملی شدن نفت نباشد .

اینک شرکت میخواهد بلادرنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده بدینوسیله ثابت کند که مایل است هر چه زودتر یک ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید . بنا بر این هیئت نمایندگی از طرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد . این مبلغ مساعده ای خواهد بود از بابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهائی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد بود و با این تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود . همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژویه به بعد هر ماه مبلغ سه میلیون لیره تا وقتی که ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم . در جلسه قبل اینجناب اظهار کردم که ما با حفظ کامل کلیۀ حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان محترم طریقه رضایت بخشی پیدا کنیم که حسن اداره صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد . بنظر شرکت چنین میرسد که ممکن است بر اساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود :

دارائی ایرانی شرکت به یک شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور درازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبور را به شرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود

تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده‌ای مدیر ایرانی در هیئت مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد. عملیات بخش در ایران به شرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارایی موجود بان شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت.

شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آنرا بعنوان يك قدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید.

ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارایی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند مورد توجه کامل قرار داده‌ایم. اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان این بود که از تاریخ ۲۹ اسفند ماه شرکت بایستی مجموع درآمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرضی الطرفین برای پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد. ما يك چنین پیشنهادی را نمیتوانیم قبول کنیم. هیئت برای مذاکره به ایران آمده است و بعقیده ما عنوان يك چنین تقاضائی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیرموجهی است. بعلاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان باها هم عقیده خواهند شد که يك چنین تقاضائی نه از لحاظ تجارتنی ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.

آقای هریمن داوطلب شدند که شخصاً این فرمول را با اطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین منظور روز جمعه چهارم مرداد ماه با هوایما بلندن حرکت کردند و روز ششم مرداد ماه نامه زیر از طرف دولت انگلستان توسط سفارتکبرای آن دولت در تهران بدولت ایران تسلیم شد:

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پیشنهاد دولت ایران را برای مذاکره بین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت ایران و برای بحث مطالبی که مورد علاقه متقابل دولتی است توسط آقای هریمن دریافت داشته است.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است از این دعوت استفاده نماید لکن دولت ایران باین نکته توجه خواهد نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بامتنهای حسن نیت وارد مذاکره خواهد شد و مذاکرات مزبور فقط در صورتی میتواند بصورت رضایت بخش جریان یابد که کششی که در حال حاضر در جنوب موجود است تسکین و تخفیف یابد.

با این اطمینان که دولت ایران این حقیقت را تشخیص میدهد و باهمان روح وارد مذاکره خواهد شد هیئتی بریاست یکی از وزراء کابینه فوراً حرکت خواهد کرد.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران برسمیت میشناسد.

عصر روز ششم مرداد ماه از طرف سفارتکبرای امریکا پیشنهاد شد که دولت ایران در صورت موافقت پاسخی به مضمون زیر توسط آقای هریمن برای دولت انگلستان بفرستد:

دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلستان طبق پیشنهادی که توسط آقای هریمن تسلیم گردیده هیئتی به ایران اعزام میدارد. دولت ایران تمایل به رفع تانسین در جنوب را از نقطه نظر دولتمین و بنفع توفیق مذاکرات مطلوب تشخیص میدهد و دولت ایران با همان روح حسن نیتی که دولت انگلستان ابراز داشته است وارد مذاکره خواهد شد.

ولی پیشنهاد فوق مورد موافقت دولت ایران قرار نگرفت زیرا در آن صحت از وجود کشتی در خوزستان شده بود که دولت ایران قبول میکرد آنرا رفع کند و ممکن بود از ابهام این کلمه استفاده کرده و آنرا چنین تعبیر کنند که تمام عملیات مربوط به خلع ید در خوزستان باعث وجود حالت تانسین شده و دولت ایران قبول کرده است که برای رفع این حالت وضع را بحال اولیه برگرداند. بدین جهت شب دوشنبه هفتم مردادماه در جلسه هیئت دولت و هیئت مختلط نفت بجای نامه‌ای که پیشنهاد شده بود نامه‌ای بدین مضمون تهیه و ارسال گردید:

دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که بر طبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ (مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بجناب آقای هریمن داده بود دولت پادشاهی انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت میشناسد و انتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود. و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیئتی را بسمت وکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد و در عین حال هیئت مزبور راجع به طریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع متقابل دو کشور است با دولت ایران وارد مذاکره شود. دولت ایران معتقد است که تانسینی در خوزستان وجود ندارد و یقین دارد شناسائی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با روح صمیمیت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بان اشاره شده جریان یابد.

فردای آن شب یعنی روز هفتم مردادماه مطابق با سی‌ام ژوئیه ۱۹۵۱ از طرف جناب آقای سفیر کبیر آمریکا یادداشتی بدین مضمون برای اینجناب رسید:

سفارت کبیر ای آمریکا - تهران

۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱

نخست وزیر عزیزم

الساعة تلگراف فوری از آقای هریمن دریافت نمودم. ایشان متذکر شده‌اند که تصور نمیکنند بتوانند پیمایی را که دیشب بمن تسلیم فرمودید بدولت انگلستان تسلیم نمایند. ایشان تصور نمیکنند که پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات بنماید. آقای هریمن پیشنهاد میکند که جنابعالی و همکارانتان شاید بتوانند تجدید نظر در جواب پیشنهادی دولت انگلستان که اهمیت فوق العاده دارد بفرمایند. ایشان اطمینان دارند که در صورتیکه جواب دولت ایران با زبان رضایت بخش تری تنظیم گردد اقدامات لازمه برای اعزام فوری یک میسون دولتی انگلیسی مقدور است.

با اطمینانیکه بتوجه مخصوص جنابعالی در اینموضوع دارم و اطمینانیکه بعلاقه دولت شما برای پیدا نمودن راه حل مناسبی درموضوع نفت دارم صادقانه امیدوارم که خواهید توانست در پیام دیشب خود تجدید نظر فرمائید.
هانری اف. گریدی

که بلافاصله اینجناب نامه زیر را در پاسخ آقای سفیر کبیر آمریکا برای ایشان فرستادم:

سفیر کبیر عزیزم

در جواب یادداشت هفتم مرداد ماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱) محترماً اشعار میدارد بسیار خوشوقت میشوم اگر از جناب آقای هریمن سؤال فرمایند کدام جمله از بیانیکه در جواب ایشان در شب گذشته بوسیله جنابعالی بلندن مخبره شده ایجاد محظور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات نمی نماید و بنا براین از تسلیم آن بدولت انگلستان خودداری فرموده اند.
موقع را برای تجدید احترامات مقتنم میشمارد.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

روز بعد آقای هاریمن با هواییمما بایران مراجعت نمودند.

و سه روز بعد از آن یعنی روز جمعه یازدهم مرداد ماه آقای میدلتن کاردار سفارت کبیرای انگلستان در وزارت امور خارجه حضور یافته و نامه ای بمضمون ذیل با آقای وزیر امور خارجه تسلیم نمودند:

سفارت کبیرای انگلیس - تهران

۱۱ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱۰۰

آقای وزیر

برحسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آن دولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیما بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوعهای مربوطه بمنافع متقابل دولتین توسط مستر هاریمن دریافت نموده است.

۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است فرمول مزبور را مورد استفاده قرار داده و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود با کمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتواند بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگر اینکه تسکینی در محیط فعلی داده شود.

برطبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبور را در نظر میگیرد و ما نیز با همان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسیونتی که بریاست یکنفر وزیر کابینه خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود.

۳ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصلی ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول مینمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائمه خود را تجدید مینمایم .

جی . اچ . میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی

وزارت امور خارجه شاهنشاهی - تهران

همان وقت در پاسخ این نامه ای بدین مضمون از طرف آقای وزیر امور خارجه با آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان تسلیم شد :

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۲

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ شماره ۱۰۰ اشعار میدارد دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هریمین داده شده از طرف خود و کمیانی سابق اصلی ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول کرده و هیئتی برای مذاکره بایران اعزام میدارد. دولت ایران بمنظور گامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق کرده و باهمان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود بمذاکرات وارد خواهد شد.

موقع را برای تجدید احترامات فائمه مغتنم میشمارد .

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان طی نامه دیگری بدین مضمون تصمیم دولت انگلستان را برای اعزام هیئتی بریاست آقای استوکس مهرداد سلطنتی بتهران باطلاع آقای وزیر امور خارجه رسانیدند :

سفارت کبرای انگلستان - تهران

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۱

جناب آقای وزیر

افتخار دارم که بمرقومه آن جناب مبنی بر قبول دولت شاهنشاهی ایران باینکه وارد مذاکره بادولت

پادشاهی انگلستان بوکالت شرکت نفت ایران و انگلیس و بحث در قضایای مورد علاقه دو دولت بشوند اشاره نمایم .
۲ - از دولت متبوعه خود دستور یافته ام که مراتب زیر را باستحضار آن جناب برسانم :
دولت متبوعه این جانب در نظر دارد هیئتی بریاست جناب استوکس مهردار سلطنتی به همراهی مشاورین ذیل اعزام بدارد :

سردونالد فرکسون ، جی. سی. بی. و دکتر و. ال. اف. ناتال عضو وزارت سوخت و نیرو و مستر
فلت عضو خزانه داری و جناب پی. ای. رهنیام عضو وزارت خارجه. ضمناً پنج نماینده هم از شرکت نفت ایران
و انگلیس و چهار منشی در معیت این هیئت خواهند بود .

۳ - بطوریکه معین شده حرکت این هیئت در ساعت پانزده روز جمعه سوم اوت خواهد بود و در حدود
ساعت هفده و نیم شنبه چهارم اوت بوقت محلی وارد تهران خواهند شد .
موقع را برای تقدیم احترامات فاتحه مغتنم میشمارم .

جی. ایچ. میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی - تهران

در پاسخ این نامه آقای وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران طی نامه ذیل دعوت کردند که این هیئت
در مدت توقف خود در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند :



وزارت امور خارجه
جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۰

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ شماره ۱۰۱ اشعار میدارد که دولت شاهنشاهی از آمدن هیئتی
بریاست جناب آقای استوکس خوشوقت است و بوسیله این نامه دعوت مینماید که هیئت مذکور در مدت توقف
در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند و جناب آقای سناتور جواد بوشهری وزیر راه را بسمت میهماندار این هیئت
معرفی مینماید .

موقع را برای تجدید احترامات فاتحه مغتنم میشمارد .

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان این دعوت را از طرف دولت متبوعه خود طی نامه ای بدین
مضمون پذیرفتند :

سفارت کبرای انگلستان تهران

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۲

جناب آقای وزیر

افتخار دارم که وصول یادداشت مورخ سوم اوت آن جناب را مبنی بر دعوت مہر دار سلطنتی و ہمراہان بعنوان مہمان دولت شہنشاهی ایران هنگام توقف ہیئت نمایندگی انگلستان در تہران اعلام دارم .

۲ - از دولت متبوعہ خود دستور دارم کہ قبولی دولت پادشاهی انگلستان را نسبت باین دعوت ملاطفت آمیز باستحضار آن جناب رسانیدہ و تشکر صمیمانہ دولت پادشاهی انگلستان را برای این مہمان نوازی تقدیم دولت شہنشاهی ایران نمایم .

موقع را برای تجدید احترامات فائقہ مغتنم می‌شمارم .

جی . اچ . میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارچہ دولت شہنشاهی

بعلاوہ مراسلہ دیگری از طرف آقای کاظمی وزیر امور خارچہ با آقای کردار سفارت کبرای انگلستان

بشرح ذیل نوشته شدہ است :



وزارت امور خارچہ

شمارہ ۱۷۲۰۴

یازدہم مرداد ۱۳۳۰

آقای کردار

بانہایت احترام اینک صورت مجلس ہیئت وزراء مشتمل بر فرمولیرا کہ در تاریخ ۳۱ تیر ماہ ۱۳۳۰ بجانب آقای اورل ہریمن دادہ شدہ و در نامہ شما شمارہ ۱۰۰ مورخہ سوم اوت ۱۹۵۱ و جواب اینجانب مورخہ یازدہم مرداد ۱۳۳۰ شمارہ ۱۷۲۰۲ بآن اشارہ گردیدہ لفاً برای مزید استحضار ارسال میدارد .

موقع را برای تجدید احترامات فائقہ مغتنم می‌شمارد
وزیر امور خارچہ - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کردار سفارت کبرای اعلیحضرت پادشاہ انگلستان

این بود جریان اقداماتی کہ از بدو ورود مستر ہریمن تا باہر روز در بارہ رفع اختلافات مربوط بہ ملی شدن صنعت نفت در ایران صورت گرفتہ است .

اینجانب وظیفہ خود میدانم در این موقع و در این مجلس از زحمات و مساعی مجدانہ ایشان در این بارہ صمیمانہ اظہار تشکر کنم زیرا حد اقل نتیجہ ای کہ تا کنون از کوششہای ایشان گرفته شدہ این است کہ بر اثر مذاکرات دولتین دعوی ۴۲ سال امتیاز معادن نفت جنوب کہ ۵ سال آن مربوط بآخر مدت قرارداد داری تا سال ۱۹۶۱ و ۳۲ سال دیگر در نتیجہ تمدید قرارداد مزبور تا ۱۹۹۳ است بکلی خاتمہ یافتہ . امیدوارم مساعی ایشان تا بآخر بہ نتیجہ برسد و باحسن نیت طرفین کلیہ اشکالات موجود بر اساس حق مشروع ایران حل شود .

۷۰۴
۵۳
۵۳



در قرارداد

شماره
پایت
رک

روزدوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ جلسه مشترک هیئت وزیران و هیئت مختلط در منزل جناب آقای دکتر

مصدق نخست وزیر انعقاد پانف و بعد از مذاکرات مفصل تصمیحات ذیل اتخاذ گردید که در مذاکرات

امروز عصر با آقای هریمین نماینده مخصوص حضرت رئیس جمهوری امریکا بر طبق آن عمل شود .

(۱) فرمولی که باید با آقای هریمین تسلیم شود از قرار ذیل خواهد بود :

((در صورتیکه دولت انگلیس بگوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن

صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بگوکالت از طرف



شرکت سابق وارد مذاکره شود))

(۲) دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بطهران موافقت خود را بگوکالت از طرف

شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

(۳) مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص

نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۱ اسفندماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است

و متن آن ذیلا درج میشود :

((بنام سعادت ملت ایران و منظور کمک بتأمین صلح جهان امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمایم

که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف

استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد))

(۴) در موقع مذاکره با آقای هریمین عین تعریف اصل ملی شدن مندرج در ماده فوق

باطلاع ایشان برسد تا بعد از آن نگاهی در مذاکرات حاصل نشود و نیز یاد آوری را که نمایندگان

××

Handwritten signatures and notes on the right side of the document.





نخست وزیر

((۲))

تاریخ ۱۳

شماره

پیوست

شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصل ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده است و

مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان برسانند. *دکتر دستار*

دکتر دستار (multiple signatures)
محمد زیند
دکتر دستار
محمد زیند



نخست وزیر

تاریخ ۱۳
شماره
پیوست

جلسه فوق العاده دولت ساعت ده بعد از ظهر روز دوشنبه سی و یکم تیرماه / ۱۳۴۰
در منزل آقای دکتر مصدق تشکیل گردید ابتدا آقای صالح گزارش ملاقات نمایندگان
هیئت مختلط و آقای وزیر دارایی را با ماستر هریمان نماینده رئیس جمهوری امریکا
توضیح داده و گفتند که متن صورت جلسه صبح که بایشان داده شد قبول کردند
مفاد آن را با اطلاع دولت انگلستان برسانند در اینک دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان
خود قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید سوم آقای هریمان
اضافه کرده اند که : ((من بدولت انگلیس صورت جلسه هیئت دولت را اطلاع میدهم
و بآنها میگویم که دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون ناآنجا که مربوط
بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود))

چهارم
چهارم اخیر پیشنهادی آقای هریمان مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقای وزیر راه بوسیله
تلفن این موافقت را با ایشان اعلام نمودند .

Handwritten signatures and notes in Persian script, including names like "مهندس" and "دکتر مصدق".



پیچ هشتم شماره ۱۳۳۸

شماره
پریت



دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۳۰ -
(مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بجناب آقای هرین داده بود دولت پادشاهی انگلستان
از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت
می نشناسد و انتظار دارد که این شناسایی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی
گذاشته شود . و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیئتی را بسمت وکالت
از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد و در
عین حال هیئت مزبور راجع به طرفه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع متقابل دو کشور
است با دولت ایران وارد مذاکره نمود دولت ایران معتقد است که تانسیمی در خوزستان وجود
ندارد و یقین دارد شناسایی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود
خواهد آورد تا با روح صمیمت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بیان اشاره شده جریان یابد .

دولت ایران
دولت انگلستان
دولت آمریکا
دولت فرانسه
دولت اتحاد جماهیر شوروی
دولت هند
دولت پاکستان
دولت چین
دولت ژاپن
دولت ایالات متحده آمریکا
دولت اتحاد جماهیر شوروی
دولت هند
دولت پاکستان
دولت چین
دولت ژاپن





نخست وزیر

تاریخ ۸ مرداد ۱۳۴۰

شماره

پرست

دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هر یمن داده شده از طرف خود و کمپانی سابق ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول کرده و هینتی برای مذاکره با ایران اعزام میدارد - دولت ایران بمنظور کامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق کرده و با همان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود بعد از مذاکرات وارد خواهد شد .

مجلس شورای ملی
 وزارت معادن و فلزات
 وزارت نفت
 وزارت راه و ترابری
 وزارت اقتصاد
 وزارت دارایی
 وزارت صنایع و معادن
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 وزارت علوم و هنر
 وزارت بهداشت و درمان
 وزارت امور خارجه
 وزارت اطلاعات
 وزارت نیرو
 وزارت مسکن و شهرسازی
 وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
 وزارت ورزش و جوانان
 وزارت بهداشت و درمان
 وزارت امور اقتصادی و دارایی
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 وزارت علوم و هنر
 وزارت بهداشت و درمان
 وزارت امور خارجه
 وزارت اطلاعات
 وزارت نیرو
 وزارت مسکن و شهرسازی
 وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
 وزارت ورزش و جوانان



متن گزارش
آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

در جلسه
۳۰ مرداد ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی و سنا

راجع بجزریان مذاکرات



هیئت نمایندگی دولت انگلیس
بریاست آقای استوکس مهرداد سلطنتی

تهران، ۱۸ شهریور ۱۳۳۰

در جلسه ۱۲ مرداد مجلس سنا و ۱۳ مرداد مجلس شورای ملی جریان مذاکرات و مکاتباتی که پس از ورود جناب اورل هریمن نماینده مخصوص حضرت رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا منتهی بآمدن هیئت نمایندگی دولت انگلستان بوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و شناسائی اصل ملی شدن صنعت نفت برطبق تعریف قانون ایران گردید بطور مشروح بعرض نمایندگان محترم مجلسین رسید . اینک لازم میدانم جریان مذاکراتی را که از آن تاریخ تا کنون با هیئت نمایندگی انگلستان صورت گرفته بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم :

بطوری که آقایان استحضار دارند هیئت نمایندگی انگلستان بریاست جناب استوکس مهربار سلطنتی در تاریخ ۱۲ مرداد وارد تهران شدند .

ازطرف دولت ایران برای مذاکره با هیئت مزبور هیئت نمایندگی بشرح ذیل معین گردید :

۱ - ازطرف دولت آقای وارسته وزیر دارائی بسمت ریاست و آقای دکتر کریم سنجابی وزیر فرهنگ عضو هیئت .

۲ - بدرخواست دولت و ازطرف هیئت مختلط آقایان دکتر متین دفتری و دکتر شفق نمایندگان سنا و اللهیار صالح و دکتر شایگان نمایندگان مجلس شورای ملی بعنوان عضو هیئت نمایندگی انتخاب گردیدند .

۳ - آقای مهندس حسینی عضو مشاور هیئت .

در اولین جلسه مذاکرات که در تاریخ دو شنبه ۱۴ مرداد در قصر صاحبقرانیه تشکیل گردید پس از تبادل تعارفات متداوله آقای استوکس مهربار سلطنتی توضیحاتی راجع بمبنای مذاکرات اظهار داشته و اصول بیانات خود را بصورت یادداشتی به هیئت نمایندگی ایران تسلیم کردند که متن آن بقرار ذیل است :

متن اظهارات رئیس نمایندگان دولت پادشاهی انگلستان بتاريخ ۶ اوت ۱۹۵۱

مهربار سلطنتی بدو از دولت ایران نسبت بحسن استقبال و پذیرائی صمیمانه‌ای که در موقع ورود هیئت نمایندگی بتهران از ایشان و سایر اعضاء هیئت شده بود تشکر نموده و این را بمنابه نشانه خوبی از بهبودی حاصله در مناسبات بین دو کشور تلقی نمود .

سپس اظهار داشت که دولت متبوعه او کمال اشتیاق را بدیدن چنین محیط مناسبی داشته و امیدوار است که این امر مقدمه یکدوره طولانی دوستی و همکاری بین دو کشور بوده باشد . چه نیکو گفته شده است که دو دوست قدر دوستی را پس از اینکه مدتی بر اثر نزاع جزئی قطع رابطه نمودند بهتر شناخته و بر استحکام روابطشان افزوده میگردد .

مستر استوکس سپس وارد جهات و دلائل آمدن هیئت نمایندگی انگلستان به ایران گردید و چنین گفت :

غرض ما از آمدن بایران افتتاح باب مذاکرات بوکالت از طرف شرکت نفت طبق فرمولی که بوسیله

آقای هریمن بوکالت ازطرف دولت شاهنشاهی ایران تسلیم دولت پادشاهی انگلستان گردیده میباشد بطوریکه

دولت پادشاهی انگلستان از این فرمول استنباط کرده است اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران طبق قانون مورخ بیستم مارس ۱۹۵۱ برسمیت می‌شناسد که مفاد آن بشرح ذیل است:

کلیه عملیات اکتشافی و استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت ایران بایستی تحت اختیار دولت شاهنشاهی ایران بوده باشد.

هیئت نمایندگی که بریاست او بایران آمده است در نظر دارد این قانون را وسیله‌ای برای بحث و مذاکره تا آنجائی که مربوط بمنافع بریتانیا میباشد قرار بدهد. منافع مذکور خیلی وسیع و پردامنه میباشد منجمله تعداد چهل هزار نفر دارندگان سهام تحت تأثیر این قانون جدید قرار می‌گیرند و دولت پادشاهی انگلستان نیز مصمم است که در حفظ منافع خود بکوشد.

مهردار سلطنتی اطمینان دارد که اصولاً بین منافع ایران و منافع دولت بریتانیا تضاد و تناقضی وجود ندارد زیرا برای هر دو کشور نهایت اهمیت را دارد صنعت بزرگی که با همکاری یکدیگر بنیان نهاده اند ادامه یافته و رونق خود را از دست ندهد و بمقیده ایشان یگانه راه حصول این هدف همکاری بین دو کشور میباشد و هرگاه این همکاری متوقف گردد دارای عواقب وخیمی برای صنعت نفت و کشور ایران خواهد بود و هیچکس مگر کمونیس جهانی از این وضعیت منتفع نخواهد شد.

هیئت نمایندگی انگلستان با پیشنهادات مشخص و جامعی نیامده است بلکه میل آنها بر این بوده که با مشورت با هیئت نمایندگی دولت شاهنشاهی شالوده یک مشارکتی را طرح ریزی نمایند که بعقیده دولت پادشاهی انگلستان برای حسن اداره صنعت عظیم نفت ایران حائز اهمیت میباشد ولی در عین حال لازم میدانند که دو نکته را مؤکداً اظهار نمایند که بایستی طرفین بطور دائم آنها را درم نظر داشته باشند.

در وهله اول بایستی فوریت تجدید فعالیت در صنعت نفت را مؤکداً اظهار نماید و در وهله ثانی این نکته را بایستی در نظر گرفت که هر راه حلی که بآن دست یابی پیدا شود بایستی با اصول نصفت و عدالت منطبق بوده و از روی کمال بی غرضی بآن رسیده باشیم.

اما در مورد احتیاج شدید و فوری بتجدید فعالیت و جریان نفت بدنیای خارج آقای استوکس نکات ذیل را بیان نمودند:

الف - ادامه یافتن جریان نفت بخارج برای اقتصاد عمومی ایران نهایت اهمیت را دارد. دسته کارشناسان انگلیسی که ادامه فعالیت صنعت نفت متکی بآنها می باشد هرگاه تأخیری در شروع کار بشود پراکنده خواهند شد و نخواهیم توانست آنها را برای مدت مدیدی گرد هم نگاهداری نمایم زیرا هم اکنون کارشناسان مزبور اعلام داشته اند که حاضر نیستند در مؤسسه ای که طبق قضاوت آنها از روی صد درصد اصول فنی و اداری نمیگردد بخدمت خود ادامه دهند.

ب - کشتیهای نفتکش که در گذشته برای ایران خدمت میکردند عاجلاً در جاهای دیگر اشتغال بکار داشته و برای مشتریان معمولی نفت ایران مواد سوخت حمل و نقل میکنند.

ج - در مدت کوتاهی (که ممکن است از چند هفته تجاوز نکند) شرکتهای نفت دنیا برای بدست آوردن مقادیر بیشتری از نفت از کشورهایی سواى ایران محتمل است ترتیباتی بدهند که خود را از نفت ایران بکلی بی نیاز بسازند.

در این زمینه مشارالیه توجه هیئت نمایندگی ایران را بمقاله‌ای که در موضوع تعویض نفت ایران از سایر منابع در تاریخ اول اوت ۱۹۵۱ در «فاینشیشال تایمز» لندن منتشر شده بود معطوف داشت.

د - بقرض اینکه کلیه موانع و مشکلات موجوده در راه شروع مجدد استخراج و تولید نفت بلافاصله از بین برده شود معذالک کلیه ارزشش تا ده هفته وقت لازم خواهد بود تا اینکه بتوان دستگاه آبادان را بطور کامل برآه انداخت.

آقای استوکس اظهار داشت که جای نهایت تأسف است که با وجود این مخاطرات دولت ایران بر حسب ظاهر تصمیم گرفته است که از نقطه نظر اقتصادی هر تکب خود کشی بشود که ممکنست منجر بانقلاب و کمونیسم بشود. بعقیده ایشان بموجب ضرب‌المثل فارسی که از روزهای طفولیت بیاد دارد وغالباً در انگلستان و زرد زبانها میباشد (اول چاه را بکن بعد چشمت را باز کن و سپس منار را بدزد) این اقدام دولت ایران مورث شگفتی بیشتری میشود. شاید اشکال کار در اینجا بوده است که در سنجش اولیه آتیۀ دوری را در نظر نگرفته باشند. آقای استوکس اینطور حس میکند که بعلت وضع مخاطره‌آمیز فعلی است که رئیس جمهوری اتازونی نمایندۀ شخص خود مستر هریمن را بایران کسبل داشته و دولت پادشاهی انگلستان هم میسیونی مرکب از بعضی از اعضای کابینه خود را برای جلوگیری از حدوث وقایع اسف انگیز بایران اعزام داشته است. کلیه افراد بانگرانی خاصی بمنظور حفظ منافع جهانی توقع دارند که سریعاً راه حلی برای این اختلاف پیدا شده و جریان نفت بطور عادی ادامه پیدا نماید.



در خانمۀ بیانات خود آقای استوکس برخی اندیشه‌های شخصی خود را نیز اضافه نموده که بعقیده شخص او ممکن است برای هیئت نمایندگی دولت شاهنشاهی مفید واقع گردد. مثلاً مشارالیه احساس میکند که در مذاکرات فعلی نیاستی زیاد وارد مناقشات و مخالفت‌های سابق گردید زیرا برای هیچ طرفی نفعی را متضمن نخواهد بود لذا بایستی آئندۀ نزدیک و دور را بطور مدام در مد نظر داشته باشند.

از این گذشته از نفرت هیچوقت چیزی عاید کسی نمیگردد از چارداشتن از کمپانی نفت و تصمیم بر اینکه شرکت مزبور در ایران بعملیات خود خانمه بدهد برای استخراج نفت مفید فایده‌ای نخواهد بود.

از همه بالاتر این است که بعقیده مشارالیه یعنی بطوریکه او استنباط کرده دولت شاهنشاهی ایران میخواهد بهره برداری از منابع نفت خود را باعلا درجه ممکنه برساند تا اینکه بتواند از منافع آن رفاه عمومی ملت ایران را تأمین نماید. بریتانیا با این هدف از روی کمال قلب توافق دارد ولی امتناع از استفاده ابزارهاییکه در دست میباشد این طور تلقی خواهد شد که طرف تسلیم تعصباتی گردیده که ممکن است باین نحو بطور متناسب تعریف بشود «برابر کردن مساعی خود در حینیکه هدف خود را فراموش نموده باشد» هدف بطوریکه گفته شد رفاه ملت ایران است و وسائل و ابزاری که در دست میباشد عدۀ کارشناسان فنی واجد شرایط در جنوب است و بعلاوه عدۀ زیادی کشتی‌های نفت کس که از حیث تعداد در دنیا در درجه اول است. امتناع از بکار بردن این وسایل و ابزار کار ممکن است موجبات تخریب اقتصاد ایران را در بر داشته باشد.

بریتانیا و ایران اصولاً دارای هدف واحدی میباشند که عبارت از بهبود وضع تودۀ ایرانی و بقاء یک حکومت قوی و آزاد و مستقلی است که بتواند بانهایت اعتماد در مقابل تهدید کمونیسم پایداری نماید.

آقای استوکس بیانات خود را باین نحو خاتمه داد که دول امضاء کنندۀ پیمان اتلانتیک تصمیم بر این گرفته اند که مانع از حدوث جنگ سومی در دنیا بشوند وبعلاوه مردمان آزاد دنیا درهرجائی که هستند بایستی آزاد باقی بمانند باین دلیل آنها نیروی خود را باعزم محکمی برای مقابله باظلم و استبداد و تجاوز تحکیم مینمایند. در جلسه بعد بتاریخ ۱۶ مرداد مطابق ۸ اوت جناب آقای وارسته رئیس نمایندگی ایران جوابی را که با موافقت دولت و هیئت مختلط تهیه شده بود شفاهاً باطلاع نمایندگان دولت انگلستان رسانیده و عین آنرا بصورت یادداشتی تسلیم کردند. متن جواب مزبور بقرار ذیل است:

اینجناب لازم میدانم که بنمایندگی ازطرف دولت ایران باردیگر از تشریف فرمائی آقایان اظهار تشکر و خرسندی نمایم. اینکه دولت پادشاهی انگلستان لازم دانسته است که میسیونری مرکب از بعضی اعضاء کابینه خود را بوکالت ازطرف شرکت سابق نفت برای هذا کره بادولت ایران راجع به طرزاجرای قوانین ملی شدن صنعت نفت در قسمتی که مربوط بمنافع انگلستان است بایران اعزام دارد نشانه تفاهم بیشتریست که خوشبختانه نسبت به حسن نیت دولت و مفهوم قوانین ایران درکشور شما پیدا شده است. چون در اساس فعلی دولت و پارلمان ایران عواملی غیر از حقیقت و عدالت و منطق نبوده خوشوقتیم که بالاخره حق و عدالت مثل همیشه راه خود را باز کرده و موفق شده است که سوء تفاهمات را زایل سازد. امیدوارم که اقامت چند روزه شما در ایران و مخصوصاً سفر دو روزه مستراستوکس باآبادان عمق احساسات ملت ایران و ضرورت عمل انجام شده و حسن نیت دولت ایران را برایشان و سایر همکاران محترم ایشان کاملاً روشن کرده باشد.

بطوریکه آقایان توجه فرموده اند ملت ایران ملی شدن صنعت نفت را برای خود بک رنسانس و حیات جدید میدانند.

آقای استوکس در توضیحات کلی و مقدماتی جلسه گذشته خود بیاناتی فرمودند که اگر اشتباه نکرده باشم اساس آن جلب توجه نسبت بچند نکته اساسی بود. اول آنکه فعالیت صنعت نفت بطور عادی و مرتب ادامه داشته و از وسایل و کارشناسان و متخصصین موجود استفاده شود. دوم اینکه در تسویه امر نفت اصول عدالت و تصفیت رعایت گردد. سوم آنکه صدور جریان منظم نفت بخارج برای اقتصاد ایران و دنیای آزاد کمال اهمیت و ضرورت را دارد. این مسائل کاملاً مورد توجه دولت و مجلسین ایران بوده و اصول آنرا قانون گزار پیش بینی کرده است. دولت ایران مایل نیست که حتی بک روز فعالیت منظم صنعت نفت او متوقف و مختل بشود و نهایت علاقه را دارد که از کارشناسان و متخصصین و کارگران و کارمندانیکه در امور مربوط به نفت مجرب شده و صنایع نفت ایران را اداره کرده اند در شرکت ملی نفت ایران کما فی السابقی استفاده نماید و حاضر است که نظم حقوق و مزایای آنانرا بموجب قرارداد هائیکه با شرکت سابق نفت داشته اند محفوظ داشته و سوابق خدمت و بازنشستگی آنها را رعایت کند. اشخاصیکه تا کنون در خدمت بک شرکت تجارتی بوده اند معلوم نیست چرا حاضر نخواهند شد با همان مزایا در خدمت بک دولت و برای امری که نتایج و ثمرات آن عاید بشریت میشود باقی بمانند.

برای تسویه امر شرکت سابق نیز قانون ترتیب جبران خسارتی را که مبتنی بر عدالت و انصاف باشد پیش بینی کرده و حتی تا ۲۵ درصد از عواید خالص نفت را وثیقه آن قرار داده است.

اکنون دولت ایران حاضر است که در اثبات وارد مذاکره شده و بحساب مطالبات و دعاوی حقه شرکت و دولت ایران بوسیله کارشناسان رسیدگی بعمل آید.

در مرحله سوم ما کمال علاقه را داریم که کما فی السابق و بلکه بیشتر از سابق معامله و تجارت نفت ما با مشتریان عادی و سابق ادامه و توسعه داشته باشد و این امر نیز بطور کامل در قانون پیش بینی شده است. برای اجرای این اصل ما حاضر هستیم وارد مذاکره بشویم و ترتیبی قرار بدهیم که موجب توسعه صادرات نفت ایران و اعتماد و اطمینان بیشتر مشتریان ما بشود.

در خاتمه بیانات خود این نکته را اضافه می نمایم که اینجانب نیز مثل مستر استوکس معتقد است که گفتگوی از کدورت ها و اختلافات گذشته بیحاصل است ولی در عین حال نمی توان در اختیار راه حل آنرا نادیده گرفت.

با حسن نیت و اعتماد متقابل و اطمینان باینکه طرفین می خواهیم به نتایجی برسیم که شالوده صفا و صمیمیت با دوام بین دو ملت و موجب اعتلاء حق و عدالت در جهان آزاد باشد تقاضا میکنم که فوراً مذاکرات را بر اساسی قرار بدهیم که منتج نتیجه مثبت بشود.

پس از چند جلسه مذاکره در تاریخ ۲۱ مرداد هیئت نمایندگی انگلستان اصول پیشنهادات خود را در هشت ماده بشرح ذیل بهیئت نمایندگی ایران تسلیم نمودند.

شرح خلاصه پیشنهادهائی که از طرف هیئت نمایندگی انگلیس با حفظ حقوق طرفین تقدیم شده است. (۱) شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاه ها و ملزومات خود را در ایران بشرکت نفت ملی ایران واگذار خواهد نمود. در مورد دارائی واقع در جنوب ایران غرامتی که باید از طرف شرکت ملی نفت ایران به شرکت نفت انگلیس و ایران تأدیه شود جزو هزینه اداره صنعت نفت در آن ناحیه محسوب خواهد شد.

موضوع غرامتی که باید در مقابل آن قسمت از دارائی که در گذشته برای عملیات پخش و فروش در ایران مورد استفاده بوده تأدیه شود تابع ترتیبات جدا گانه ای خواهد بود که در بند (۷) زیر شرح آن داده خواهد شد. (۲) سازمانی بعنوان سازمان خرید تشکیل خواهد شد که وسیله مطمئنی برای تأمین صدور نفت ایران فراهم سازد زیرا صنعت نفتی بعظمت صنعت نفت ایران فقط بر اساس یک چنین ترتیبی می تواند وضع خود را تأمین نماید.

این منظور بوسیله انعقاد قرارداد طویل المده ای مثلاً برای (۲۵) سال با شرکت نفت ملی ایران حاصل خواهد شد که بموجب آن مقادیر بسیار زیادی نفت خام و فرآورده های نفتی از جنوب ایران تحویل بندر ایران (F. O. B.) اکتیاع گردد.

(۳) گذشته از ترتیبی که بصورت بالا مقرر خواهد شد شرکت نفت ملی ایران خواهد توانست معاملات اضافی برای فروش نفت انجام بدهد ولی باین شرط عادی تجارتنی که اینگونه فروشها نوعی صورت گیرد که بمنافع سازمان خرید لطمه وارد نیابد.

(۴) طبق قرار داد مزبور سازمان خرید دستگاه وسیع دنیائی برای حمل و نقل و پخش و فروش در اختیار شرکت نفت ملی ایران خواهد گذاشت که از جمله یکی از بزرگترین دستگاههای حمل و نقل دریائی نفت که در تمام دنیا موجود است جزو آن خواهد بود و تعهدات قطعی در مقابل مشتری های خود خواهد نمود که برای

ایفای آن متکی بمحصول نفت ایران خواهد بود بنابراین طبق عمل عادی تجارתי سازمان نامبرده باید اطمینان حاصل نماید که نفت بمقادیر و از نوع مورد احتیاج در مواقع لازم موجود خواهد بود.

برای تأمین این منظور سازمان خرید با شرکت ملی نفت ایران توافق در باب يك سازمان عامل خواهد نمود که تحت امر شرکت ملی نفت ایران و از طرف شرکت ملی نفت ایران عملیات اکتشافی و تولید و حمل و نقل و تصفیه و بارگیری نفت را در ناحیه مربوطه اداره نماید. سازمان خرید ترتیب پرداخت هزینه لازم را برای اجرای عملیات از محل درآمد جاری خواهد داد.

۵) برای اینکه سازمان خریدی که موضوع پیشنهاد میباشد بتواند تمهید خرید مقادیر زیادی نفت ایران طی سال های متمادی بنماید شرائط تجارتي بایستی نوعی قرار داده شود که از شرایطی که سازمان خرید در سایر نقاط چه بوسیله خرید و چه بوسیله مباشرت تولید میتواند بدست آورد کم صرفه تر نباشد باین معنی که سازمان خرید نفت را از شرکت ملی نفت بقیمتهای تجارتي (F. O. B.) تحویل بکشتی دربندر ایران خواهد خرید که در قیمت مزبور تخفیفی بشرح زیر منظور خواهد شد.

این تخفیف بر روی هم مساوی خواهد بود با سودی که برای شرکت ملی نفت ایران پس از وضع تخفیف و هزینه تهیه نفت برای فروش به سازمان خرید باقی می ماند.

۶) در صورتیکه پیشنهاد های بالا بعنوان مبنای عمل آئیه صنعت نفت در جنوب ایران مورد قبول دولت ایران واقع شود پیشنهاد میشود که مفاد آنها بصورت رئوس مسائل مورد موافقت تنظیم شود که بعداً قرار داد خرید تفصیلی بین دولت ایران و سازمان خریدی که موضوع پیشنهاد است روی اساس آن تهیه شود. در ضمن رئوس مسائل مورد موافقت ترتیبی هم برای تجدید فوری عملیات در جنوب ایران بر اساس موقت مقرر خواهد گردید.

۷) پیشنهاد می شود که تمام دارائی متعلق به شرکت سهامی نفت کرمانشاه که نفت را برای مصرف ایران استخراج و تصفیه می نماید بانضمام تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاه ها و دارائی منقول شرکت نفت انگلیس و ایران که در گذشته برای پخش و فروش فرآورده های تصفیه شده در ایران بکار میرفته است با شرائط مساعدی بدولت ایران واگذار شود.

۸) در هیئت مدیره سازمان عامل « با هیئت مشابه دیگر » دولت ایران نمایندگی خواهد داشت و البته سازمان از کارکنان غیر ایرانی فقط در مواردی استفاده خواهد نمود که برای حصول نتیجه از عملیات استخدام آنان ضروری باشد. و همچنین نسبت به هر برنامه کارآموزی که شرکت ملی نفت ایران بخواهد عملی نماید با شرکت نامبرده منتهای همکاری را خواهد نمود.

این پیشنهادات که برخلاف اصل ملی شدن صنعت نفت و برخلاف فورمول چهار ماده تسلیمی با آقای هریمن که مورد موافقت دولت انگلستان نیز قرار گرفته بود تشخیص داده شد طبیعتاً نمی توانست مورد موافقت دولت ایران واقع شود.

بدینجهت پس از مذاکره در هیئت دولت و مشاوره با هیئت مختلط جواب دولت ایران در تاریخ ۳ شنبه ۲۲ مرداد بر طبق صورت مجلس ذیل تهیه گردید:

ساعت ۹ و نیم صبح روز سه شنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۰ جلسه مشترک هیئت دولت و کمیسیون مختلط در منزل آقای دکتر مصدق تشکیل گردید. ابتدا یادداشت پیشنهادی هیئت نمایندگان انگلستان که در هشت ماده تنظیم شده بود خوانده شد و آقای مهندس حسینی نیز توضیحات اضافی که هیئت مزبور شفهاً داده بود باستحضار آقایان وزیران و اعضای کمیسیون مختلط رسانیدند. پس از مذاکره مفصل که درباره تهیه جواب و ترتیب مذاکره و اظهار نظر دولت ایران در باره پیشنهاد های مزبور بعمل آمد موافقت شد که آقای نخست وزیر بر رئیس هیئت نمایندگی انگلستان شفهاً متذکر شوند که پیشنهادی که دیشب به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شده با فورمول چهار ماده ای که قبلاً توسط آقای هریمن باستحضار اولیای دولت انگلستان رسیده تطبیق نمی کند و بهتر است که آقای استوکس اگر بخواهند پیشنهاد اشان مورد قبول و بحث و مذاکره قرار گیرد مواد پیشنهاد خود را با اصولی که قبلاً توافق شده تطبیق دهند تا در جلسه بعد که با نمایندگان ایران تشکیل خواهند داد ادامه مذاکرات امکان پذیر باشد. ضمناً آقایان دکتر متین دفتری - صالح - دکتر شایگان - کاظمی - دکتر سنجابی - دکتر معظمی انتخاب گردیدند که جواب پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان را بطور خلاصه بر اساس اظهاراتیکه مقرر گردید آقای نخست وزیر با آقای استوکس بنمایند تهیه و برای تصویب هیئت دولت و هیئت مختلط بیاورند و مواردی را که دولت ایران طبق قانون برای مذاکره آماده است تذکر دهند.

و نیز در همان جلسه خلاصه جوابی که از طرف کمیسیون مذکور تهیه شده بود بشرح ذیل در هیئت دولت و هیئت مختلط مطرح و مورد موافقت واقع گردید که اینجانب بر طبق آن با آقای استوکس شفهاً مذاکره نمایم: رئیس مسائلی که روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۰ از طرف هیئت نمایندگی انگلستان به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شده با فورمولی که توسط آقای هریمن بدولت انگلستان داده شده و مبنای مذاکرات می باشد مطابقت ندارد و بنابراین مسائلی که طبق فورمول مذکور می توان در اطراف آن مذاکره کرد سه مورد ذیل می باشد:

- ۱ - موضوع خرید نفت برای احتیاجات انگلستان.
- ۲ - موضوع رسیدگی بدعاوی حقه دولت ایران و شرکت سابق نفت.
- ۳ - موضوع ادامه خدمت متخصصین فنی انگلیسی.

بدیهی است هر نوع نظری در باب مسائل سه گانه فوق طبق فورمول ۲۳ تیر ۱۳۳۰ اظهار شود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

نظر باینکه اصول پیشنهاد های هیئت نمایندگان انگلستان کتباً تسلیم هیئت نمایندگی ایران شده بود هیئت دولت و هیئت مختلط لازم دانست که جواب پیشنهاد های مزبور مبنی بر دلایل عدم انطباق آنها با قانون ملی شدن صنعت نفت و همچنین نظریات دولت ایران راجع بمسائل مطروحه کتباً به هیئت نمایندگان انگلستان داده شود. این جواب که بوسیله کمیسیون خصوصی تهیه شده بود در هیئت دولت و هیئت مختلط مطرح و بشرح ذیل بتصویب رسید و در جلسه مورخ ۲۶ مرداد تسلیم هیئت نمایندگی انگلستان گردید:


جواب هیئت نمایندگی ایران به پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان (با حفظ حقوق طرفین)
هیئت نمایندگی ایران پیشنهاد های را که هیئت نمایندگی انگلستان بسمت وکالت از طرف شرکت سابق نفت بعنوان مبنای عمل آینده صنعت نفت در جنوب ایران به هیئت نمایندگی ایران تسلیم داشته اند با تعریف

اصل ملی شدن صنعت نفت که در قانون ایران پیش بینی گردیده و ضمن فورمول تقدیمی بوسیله آقای هریمن مورد موافقت دولت پادشاهی انگلستان و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران واقع شده است منطبق نمی داند. تعریف ملی شدن صنعت نفت مطابق فورمول مذکور اینست که تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت ایران باشد ولی اصول پیشنهادی هیئت نمایندگی انگلستان نه تنها قسمت عمده ای از اختیارات اداره صنعت نفت را از دست دولت و شرکت نفت ملی ایران خارج خواهد نمود بلکه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را بصورت جدیدی احیاء می نماید.

رئوس مسائل پیشنهادی هیئت نمایندگی انگلستان صرفنظر از بعضی نکات فرعی آن و استدلالهایی که ضمن مطالب برای موجه نشان دادن آنها بیان شده بقرار ذیل است :

۱ - سازمان خرید .

در پیشنهاد مذکور پیش بینی شده است که سازمانی بعنوان سازمان خرید برای صدور نفت ایران تشکیل می شود و این سازمان قرارداد طویل المدهه مثلاً برای ۲۵ سال با شرکت ملی نفت ایران منعقد نماید. سازمان مذکور نفت ایران را بمقادیر بسیار زیاد بصورتی که شبیه انحصار خواهد بود خریداری خواهد کرد.

اگر چه در ماده ۳ یادداشت هیئت نمایندگی انگلستان پیش بینی گردیده که شرکت ملی نفت ایران خواهد توانست معاملات اضافی برای فروش نفت انجام دهد ولی شرط شده است که این معاملات بطوری انجام شود که بمنافع سازمان خرید لطمه وارد نیآورد.  دولت ایران حاضر است محصولات نفتی را بمقداری که در سالهای اخیر بمصارف کشور انگلستان میرسیده بر اساس قرارداد های تجارتي متداوله بآن کشور بفروشد ولیکن دولت ایران نمی تواند وضع شبیه بانحصاری برای فروش نفت خود قبول نماید.

۲ - قیمت نفت و تقسیم منافع .

در یادداشت هیئت نمایندگی انگلستان پیشنهاد شده است که سازمان خرید نفت را از شرکت ملی نفت ایران بقیمت تجارتي (F. O. B.) بندر ایران منتها با تخفیفی خریداری نماید که در نتیجه آن تخفیف منافع باقیمانده برای شرکت ملی نفت ایران پس از وضع مخارج تولید و استهلاك غرامات معادل استفاده سازمان خرید در نتیجه تخفیف دریافتی گردد و بعبارت دیگر منافع شرکت ملی نفت ایران با سازمان خرید بالمناصفه تقسیم گردد.

اساس تخفیف قیمت و تقسیم منافع برای دولت ایران قابل قبول نیست و از روش عادی و معمولی و تجارتي نیز خارج است زیرا سازمان خرید که نفت را بقیمت بندر ایران (F. O. B.) خریداری می نماید و با قیمتی که در بازارهای مصرف کننده بفروش میرساند مخارج حمل و نقل و بیمه و توزیع و منافع خود را منظور میدارد دیگر برای تقاضای تخفیف نسبت بقیمت (F. O. B.) بطوریکه نصف منافع تولید نفت عاید سازمان فرضی خرید شود مجوزی باقی نمیماند.

۳ - سازمان عامل .

سومین نکته مهم یادداشت هیئت نمایندگی انگلستان اینست که سازمان خرید با شرکت ملی نفت ایران توافق در باب يك سازمان عامل بنماید که تحت امر شرکت ملی نفت ایران و از طرف شرکت ملی نفت ایران

عملیات اکتشاف و تولید و حمل و نقل و تصفیه و بارگیری نفت را در ناحیه مربوطه اداره نماید و در این سازمان دولت ایران نیز نمایندگی داشته باشد.

دولت ایران معتقد است که چنین سازمانی مخالف صریح اصل ملی شدن صنعت نفت و موجب تحدید حاکمیت ایران و احیاء شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بصورت جدید می‌باشد. بعلاوه نظیر چنین پیشنهادی با کم و بیش تفاوت و حتی بصورت مساعدتری از طرف هیئت نمایندگی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران داده شده بود که از طرف دولت ایران رد گردید و رد آن پیشنهاد در قسمت چهارم فورمول تقدیمی آقای هریمن که تسلیم دولت انگلستان شده تصریح گردیده است.

دولت ایران متوجه است که برای حسن اداره نفت بوجود کارشناسان مجرب خارجی نیازمند است و نیز لازم می‌داند متخصصین مسئول امور نفت که برای دولت و شرکت ملی نفت ایران عمل خواهند نمود نسبت بامور اجرائی و فنی اختیارات و آزادی عمل کافی داشته باشند و بموجب قانون و مقررات داخلی ایران و قرارداد های فردی که با متخصصین منعقد می‌نماید اختیارات لازم بآنها خواهد داد ولی حاضر نیست که اختیار اداره امور نفت را بسازمان خارجی بدهد و حاکمیت دولت ایران را محدود نماید.

۴ - واگذاری اموال شرکت و طرز پرداخت غرامت .

در ماده يك پیشنهادی هیئت نمایندگی انگلستان پیش بینی شده است که شرکت سابق نفت انگلیس و ایران تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاهها و ملزومات خود را در ایران بشرکت ملی نفت ایران واگذار خواهد نمود و در مورد دارائی واقع در جنوب ایران غرامتی که باید از طرف شرکت ملی نفت ایران بشرکت سابق نفت انگلیس و ایران تأدیه شود جزء هزینه اداره صنعت نفت در آن ناحیه محسوب خواهد شد.

در مورد دارائی مربوط بنفت کرمانشاه و همچنین تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاهها و دارائی منقول شرکت سابق نفت انگلیس و ایران که در گذشته برای بخش و فروش محصولات تصفیه شده در ایران بکار میرفته در ماده (۷) پیش بینی شده است که این اموال با شرایط مساعدی بدولت ایران واگذار شود.

در موضوع غرامت و جبران خسارت بطوری که کراراً توضیح داده شده مجدداً تذکر می‌دهد که دارائی شرکت سابق بموجب قانون ملی شدن صنعت نفت بملکیت دولت ایران استقرار یافته و دولت حاضر است نسبت بدعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران با در نظر گرفتن مطالبات و دعاوی که دولت ایران نسبت بشرکت مزبور و دارائی آن در ایران و خارج از ایران دارد رسیدگی کامل وعادلانه بعمل آید و پس ازرسیدگی و تعیین حقوق طرفین قرار تصفیه آن داده میشود.

با توضیحاتی که داده شد مبرهن گردید که پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان با مفاد فورمول تسلیمی دولت ایران مبیانت دارد و در صورتیکه هیئت محترم نمایندگی انگلستان اعتراضات و ایرادات هیئت نمایندگی ایران را مورد توجه قرار دهد این هیئت همانطوریکه مکرراً اظهار داشته و عملاً با ثبات رسانیده است با کمال اشتیاق ادامه مذاکرات را حسن استقبال می‌نماید.

روز پنجشنبه ۲۴ مرداد ملاقاتی بین اینجانب با جناب آقای هریمن دست داد نظر ایشان این بود که تسریع در کار اقتضا می‌کند جلسات غیر رسمی و بدون صورت مجلس بین نمایندگان دو دولت با حضور ایشان

تشکیل شود تا همه بتوانند بطور آزاد نظریات خود را اظهار کنند و زودتر ب نتیجه برسند و روی همین نظر دو جلسه غیر رسمی با حضور جناب آقای هریمن و کارشناسان ایشان تشکیل گردید که چون از نقطه نظر حصول توافق بین طرفین نتیجه ای نداد جناب آقای بوشهری وزیر راه و مهماندار هیئتهای امریکا و انگلیس با جنابان آقایان هریمن و استوکس وارد مذاکره شده و قرار شد که جلسه غیر رسمی مشترکی از جنابان آقایان هریمن و استوکس و اینجانب تشکیل گردد تا شاید بتوان نسبت برئوس مسائل زمینه موافقتی بدست آورد. اولین جلسه روز دوشنبه ۲۸ مرداد در صاحبقرانیه با حضور جناب آقای بوشهری تشکیل گردید و خلاصه مذاکرات این جلسه بقرار زیر است:

قبل از اینکه هیئت نمایندگی انگلستان تصمیمی درباره پاسخ تسلیمی دولت ایران به پیشنهادات تقدیمی آنان اتخاذ نماید توسط آقای بوشهری قرار شد که جلسه خصوصی بین اینجانب و آقایان هریمن و استوکس در ساعت ده صبح امروز یعنی روز دوشنبه ۲۸/۵/۳۰ تشکیل گردد.

مفاد خلاصه مذاکرات که بعداً یادداشت نموده ام

بدو اظهار داشتیم که آقایان دو مرد سیاسی از دو مملکت آزاد جهان هستید که برای حل مشکل نفت بایران آمده اید و البته نیاستی دیکتاتوری کنید و بخواهید نظریات خویش را تحمیل کنید (آقایان گفتند ما چنین قصدی نداریم) سپس گفتم من هم جوابی را که داده ام بنظر شخصی من نبوده بلکه با هیئت مختلط و هیئت دولت بحث کرده و طبق نظر آنان پاسخ تسلیمی تهیه شده است اگر نخواهیم صحبت کنیم شما چیزی نوشته اید و ما هم پاسخ داده ایم و چون موافقت حاصل نشده است من مراتب را باطلاع مجلس میرسانم اگر مجلس موافقت داشت که من خواهم ماند و موضوع را بهمان طریق ادامه خواهم داد و اگر موافقت نداشت که دولت من بیرون رود و دولتی دیگر بهرنحوی که مجلس صلاح میدانند کار را ادامه میدهد و اگر حاضریم صحبت کنیم که فبها پس از مذاکراتی که بعمل آمد آقایان گفتند که حاضریم صحبت کنیم و من اسه موضوع خرید نفت کارشناسان خارجی و بالاخره گرامات را مطرح نمودم.

۱ - راجع بخرید نفت.

راجع بخرید نفت گفتم آیا شما نفت احتیاج دارید یا ندارید؟ جواب دادند خریدار نفت از شما نیستیم و از کمپانی خواهیم خرید من جواب دادم که با شرکت طرف نیستم ولی اگر شما خریدار نفت ما هستید میتوانید بشرکت اختیار بدهید از طرف شما بیاید با ما صحبت کنند پس از مذاکرات زیاد استوکس در صدد برآمد وارد نقشه خود بشود و چون این عمل کار را بیبج و ختم می انداخت گفتم شما نظریات خود را گفته اید و جواب آنرا نیز دریافت داشته اید باید بشنوید ما چه می گوئیم شاید بتوان راه حلی پیدا کرد.

پس از این مذاکرات بالاخره استوکس گفت ما نفت می خواهیم گفتم بچه میزان گفت فرض کنید ده ملیون تن با خنده گفتم من بیشتر هم بشما می دهم تا راضی باشید و سپس راجع بمبنای قیمت صحبت شد و بالاخره استوکس قبول کرد که معامله براساس قیمت خلیج فارس باید باشد.

بعد راجع بمدت صحبت شد و من گفتم در صورت معامله بترخ بین المللی حاضریم برای مدتی هم قرارداد فروش نفت منعقد نمائیم و این اشکالی نخواهد داشت.

آقایان گفتند کار حمل و نقل نفت را باید شرکتی انجام دهد گفتیم ما با شرکت طرف نیستیم ولی شما می توانید هر شرکتی را که می خواهید معین کنید ما فروشنده نفت هستیم ولی تحویل خلیج فارس مثل هر صاحب مغازه ای که جنس را در مغازه خرد بفروش میرساند و تأمین وسائل حمل بر عهده خریدار است اگر نمی توانید حمل کنید که معامله موردی ندارد.

با این ترتیب موضوع معامله نفت تمام شد و من اضافه کردم تا زمانیکه موافقت در کلیات نشود اظهارات من در قسمت فروش نفت برای هیچیک از طرفین تعهد آور نیست.

۴ - مستخدمین فنی .

استوکس میگفت که باید آژانسی وجود داشته باشد که کارهای تولیدی مستخدمین خارجی را اداره کرده و تحت نظر بگیرد و گزارش عملیات را بشرکت ملی نفت دهد . جواب من این بود که شرکت ملی نفت ایران قهراً تقسیماتی از قبیل اکتشاف و استخراج و تصفیه و کارگزینی و محاسبات و غیره خواهد داشت که مسلماً هر قسمتی رئیسی دارد که به تمام کارهای آن قسمت رسیدگی می کند و آن رئیس اختیار تام خواهد داشت و بنا بر این ما حاضریم همان اختیاراتی را که شرکت برؤسای قسمت ها میداده بآنها بدهیم و آنها را مسئول کار خودشان قرار دهیم . این را هم میدانم که شرکت سابق با تجربیات چهل ساله خود هر تشکیلاتی را که داده است در صلاح خود او بوده است و دولت ایران هم که امروز قائم مقام شرکت شده تا زمانیکه ثابت نشود تشکیلات شرکت سابق مضر نیست از آن صرف نظر نمیکنند و آنرا ابقاء خواهد کرد . البته فوق تمام این تشکیلات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران خواهد بود و رؤسای هر قسمت باید گزارشات خود را بآن هیئت بدهند و دستورات آن را اجرا نمایند . با این ترتیب دخالت يك آژانسی بین این تشکیلات و هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران بهیچوجه مورد ندارد و نتیجه ای جز سوءظن جامعه ایرانی در بر نخواهد داشت . با صحبت از این آژانس مردم چنین تصور میکنند که شما میخواهید يك امتیازی برقرار کنید بدون اینکه اسمی از آن برده باشید و مدت ۲۵ سال با دخالت يك سازمان خرید و يك آژانس در تمام امور فنی و اداری نفت دخالت کرده و ضمناً نصف از عایدات را نیز ببرید و بعبارت دیگر همان امتیازات بین النهرین را در ایران نیز برقرار کرده و ادامه دهید . در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران ما حاضریم عده ای کارشناس ردیف اول از ممالک بیطرف مثل سوئد و سویس و بلژیک و هلند و غیره وارد کنیم که حتی اکثریت نیز داشته باشند تا از این لحاظ کار فنی و اداری شرکت هم از شائبه هرگونه نگرانی نیز برکنار باقی بماند . در اینجا استوکس گفت من باشما موافقم و این دخالت متخصصین بمنفعت دولت ایران خواهد بود .

۳ - راجع به خسارات .

آقای استوکس گفت اولاً بایستی خسارت لغو یکجانبه قرارداد را که ۴۰ سال از مدت آن باقی مانده است بپردازید و ثانیاً خسارت دستگامی را که از آن استفاده خواهید نمود تأدیه کنید .

جواب من این بود که وقتی شما ملی شدن را شناختید آئین ازین رفته است و برای خسارت ما مایملک استوکس و هریمین اظهار داشتند که خسارت بقدری است که دولت ایران نمی تواند بدهد و من گفتیم این خسارت هر چه میخواهد باشد ما از حرف حساب خارج نمیشویم و خسارت ملی شدن صنعت نفت را بر اساس قیمت بازار

سهام شرکت محاسبه و پرداخت خواهیم نمود و اگر باین ترتیب هم موافقت نکنید حاضریم بهترین طریقه جبران خسارت را که ممالکی که صنایع خود را ملی کرده اند و شرکت آن قانون را بحال خود نافع تر میدانند مورد استفاده قرار دهیم. در صورتی که نه بر اساس قیمت سهام و نه تمکین از يك قانون بین المللی نمایم بالاخره نمی توانیم منکر شویم که اختلاف را بتوان توسط يك حکمیت با تعیین حکم طرفین و انتخاب سر حکم توسط آنها حل نمود.

استوکس پرسید راجع پرداخت غرامت چه نظر دارید و بچه ترتیب بایستی پرداخت بشود؟ گفتم اگر می خواهید ۵۰ درصد از قیمت نفتی را که خریداری میکنید همه ساله بابت وجه غرامت تا استهلاک آن حساب کنید تا تفریغ شود و اگر بخواهید بر طبق قانون عمل شود ۲۵ درصد عایدات خالص شرکت ملی نفت ایران برای تأدیة غرامت تخصیص داده خواهد شد.

استوکس گفت که من با همکارانم در این مسائل مذاکره میکنم و جلسه آتی را تعیین خواهم نمود که دنباله مذاکرات ادامه یابد. ساعت ۱۲ بود که جلسه خاتمه یافت.

در مذاکرات آقای بوشهری و از طرف آنها مترجم و یک نفر منشی حاضر بودند ولی من گفتم که جلسه غیر رسمی است و نیابستی یادداشت بشود.

در جلسه دوم ملاقات اینجانب با جناب آقای استوکس که از ساعت ده تا دوازده دیروز (۲۹ مردادماه) صورت گرفت و جناب آقای بوشهری حضور داشتند مجدداً مذاکرات مفصلی صورت گرفت و بجای اینکه وقت آقایان را زیاد مشغول نمایم خلاصه آنرا بعرض مجلس میرسانم. این مذاکرات در اطراف چهار نکته اساسی زیر دور میزد:

۱- آقای استوکس سؤال کردند آیا ممکن است عده ای کارشناس انگلیسی در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران عضویت داشته باشند؟

این موضوع مورد موافقت اینجانب واقع نگردید.

۲- سپس آقای استوکس پرسیدند اگر از طرف مشتریان سه سال اخیر نفت ایران ما حواله بیاوریم بما نفت آنها را خواهید داد یا نه؟ من جواب دادم که این موضوع مخالف قانون نیست و من مانعی نمی بینم که نفت مشتریان سابق را در صورتیکه بدستگاه حمل و نقلی حواله نمایند به آن دستگاه تحویل شود.

۳- نسبت بهمازاد نفت استحصالی ایران آقای استوکس تقاضا داشتند که آن را بقیمت ارزاتر از قیمتی که نفت مشتریان سابق فروخته میشود بفروشیم. البته در اینجا من باستناد ماده قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت تذکر دادم که خریداران سابق در هر حال در صورت تساوی شرایط مقدم خواهند بود.

۴- پس از این مذاکرات آقای استوکس اظهار داشتند که چون کارشناسان و کارمندان انگلیسی حاضر نیستند تحت ریاست کسی که از همت انگلیس نباشد انجام وظیفه نمایند باید قبول کنید که مدیر عامل دستگاه نفت یک نفر انگلیسی باشد که کلیه عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری (که تنها فروش نفت از آن مستثنی شود) تحت دستور و اختیار او قرار گیرد و این مدیر عامل تحت نظر هیئت مدیره انجام وظیفه نماید. اینجانب گفتم خوب است تمام مطالب مختلف فیها را حل کنیم و سپس در این موضوع وارد مذاکره

شویم و چنانچه مطالبی باشد که خودمان بتوانیم حل بکنیم اینجانب بعرض مجلس شورای ملی و سنا خواهم رسانید تا هرطور مجلسین درصلاح مملکت بدانند اتخاذ تصمیم نمایند .

ایشان باین طرز عمل رضایت ندادند و گفتند تا مسئله مدیر عامل حل نشود نمی توانم در سایر مطالب وارد مذاکره شوم .

با این ترتیب صحبت و مذاکرات ما در ساعت ۱۲ خاتمه پذیرفت و ساعت یک و نیم بعد از ظهر نامه ای بشرح زیر از طرف آقای استوکس رسید :

نخست وزیر عزیزم

این نامه برای تأیید این مطلب است که پیشنهاد هشت ماده من که برای اساس مذاکرات تقدیم شده بود مسترد میشود .

اگر جناب عالی تا قبل از ظهر فردا تصمیم فرمائید پرنسیپی را که من توضیح دادم و موجب آن خواهد شد که ممکن شود کارمندان انگلیسی در تصفیه خانه و مناطق نفت خیز بمانند (منظوریکه خودتان فرمودید لازم است) قبول فرمائید من مهیا خواهم شد که مذاکرات را تجدید نمایند .

استوکس



این نامه در جلسه هیئت مختلط که ساعت پنج بعد از ظهر دیروز در منزل اینجانب تشکیل شده مطرح و پاسخ زیر با نظر هیئت مختلط تهیه و ساعت هفت و نیم توسط جناب آقای بوشهری ارسال گردید .

آقای مهرداد عزیزم

در جواب نامه خصوصی امروز (۲۹ مرداد ۳۰) آنجناب اشعار میدارد :
همانطور که مکرر اظهار شده و خاطر جناب عالی مسبوق است دولت ایران علاقمند است برای پیدا کردن راه حل مذاکرات فیما بین ادامه یابد و چون دولت مشغول است نظر خود را برای حصول توافق تهیه و تسلیم نماید خواهشمندم جزئیات آن اصلی که در نامه خود بآن اشاره فرموده اید که موجب خواهد شد کارمندان انگلیسی در تصفیه خانه و مناطق نفت خیز بمانند بطور روشن مرقوم فرمائید تا دولت بتواند پس از مشاوره نظر خود را بطور قطع ضمن سایر مطالب برای مذاکره اعلام دارد .

علاوه ساعت نه و نیم دیشب نامه ای برای انتشار از طرف جناب آقای هریمن ارسال گردید که ترجمه آن را عیناً باطلاع آقایان نمایندگان محترم میرسانم .

دکتر هصدق عزیزم

به پیوست نامه ای را که خطاب بشما نموده ام و متضمن وضعی است که در حین مذاکرات بین دو هیئت نمایندگی در باب مسئله نفت بخود گرفته بودم تقدیم میدارم و چون تا بحال از دادن بیانه بمطبوعات در طرف

پنج هفته ای که در تهران اقامت داشته ام امتناع نموده ام اکنون ناگزیرم که این نامه را برای انتشار در مطبوعات بنویسم تا اینکه نظریات اینجانب در این موقع که مذاکرات بین دو هیئت حالت بحران آمیزی بخود گرفته است بر عامه معلوم گردد .
ارادتمند صمیمی - اورل هریمین

نخست وزیر عزیزم

نظر باینکه مذاکرات بین هیئت نمایندگی دولت ایران و هیئت نمایندگی دولت انگلستان دچار مخاطره بن بست واقع گردیده (که در صورت وقوع نهایت موجب تأسف خواهد شد) این طور حس میکنم که بعضی نظریات و ملاحظات را برای آنجناب تذکر بدهم .

بطوریکه بر آنجناب معلوم است حضرت ترومن رئیس جمهور اتازونی از من تقاضا نمود که بایران آمده و دریافتن راه حلی برای مسئله نفت مفید واقع شود . علت اقدام معظم له این بود که دولت و مردم اتازونی دوستان صمیمی ملتین ایران و بریتانیا میباشد و نهایت اشتیاق را دارند که این اختلاف از طریق دوستانه ای حل شده و در عین حال بملت ایران اجازه بدهد که بآمال ملی خود نائل گردد . دولت و ملت اتازونی همچنین متوجه منافع بریتانیا در این امر بوده و متذکر اهمیت مسئله نفت برای اقتصادات ایران و بریتانیای کبیر و همچنین اهمیت جریان نفت ایران برای اقتصاد دنیای آزاد میباشند .

اینجانب متجاوز از پنج هفته است که در ایران اقامت دارم . بوسیله مذاکرات با دولت شاهنشاهی ایران ترتیباتی فراهم شد که در نتیجه آن هیئت نمایندگی انگلستان بریاست مهرداد سلطنتی برای شروع مذاکرات بر روی زمینه قبول اصل ملی شدن تا جائیکه منافع بریتانیا را مورد تأثیر قرار میدهد بایران آمدند . این مذاکرات بر حسب فورمولیکه بوسیله دولت شاهنشاهی ایران تسلیم اینجانب گردید و مورد قبول طرفین واقع شده بود شروع گردید .

در مذاکراتی که تا بحال بین دو هیئت نمایندگی واقع شده ممکن نشده است که توافقی حاصل شود . این وضع موجب نهایت تأسف است بخصوص که منافع طرفین دعوی برای یافتن راه حلی که برفع هر دو طرف بوده باشد بنظر من کاملاً ممکن است و هرگاه چنین راه حلی یافت بشود نه تنها مفید بحال طرفین ذی علاقه واقع خواهد گردید بلکه بر ثبات و استحکام دنیای آزاد نیز خواهد افزود .


بنا بر این دولت و ملت اتازونی امیدواری کامل دارند که برای حل و قطع موضوع مساعی لازمه مبذول گردد و از مخاطرات شکست و عدم توفیق مذاکرات اجتناب بعمل آید .

برای جستن راه حلی برای این مسئله غامض اینجانب سعی وافی نموده ام که مقاصد و هدف های دولت ایران را طبق استنباط خود بنمایندگان بریتانیا گوشزد نمایم و در عین حال بدولت شاهنشاهی ایران قبل از ورود هیئت نمایندگی انگلستان حقایق چندی را درباره تجارت بین المللی نفت که بایستی در حین پیشرفت مذاکرات برای ادامه عملیات صنعت نفت و برای بدست آوردن حدا کثر منافع گوشزد نموده ام .

مثلاً بدولت شاهنشاهی ایران یادآور گردیدم که هرگاه بخواهند مقادیر زیادی از نفت را برای فروش

به بازارهای دنیا عرضه بدارند بایستی ترتیباتی با يك سازمانی که وسائل حمل و نقل و توزیع نفت را بمقادیر زیاد در دسترس دارد وارد مذاکراتی بشوند از نقطه نظر تجارتي هیچ شرکتی حاضر نمیشود که وارد عقد قراردادی با دولت ایران بشود مگر اینکه بدانند که نفت ایران را میتوانند بقیمت نازل تری از سایر کشورهای نفت خیز بدست بیاورد. و بعلاوه متذکر گردیدیم که طبق اصول تجارتي تنها شرکتی که بازار موجودی برای نفت ایران دارد خواهد توانست خرید آنرا بمقادیر زیادی بعهده بگیرد.

بطوریکه از مذاکرات اینجانب بادولت شاهنشاهی ایران برهن معلوم گردیده اولیای دولت شاهنشاهی تشخیص داده اند که برای گرداندن صنعت نفت احتیاج بکمک خارجی دارند وبعلاوه برای حسن اداره صنعت نفت احتیاج بمساعدت فنی دنیای خارج دارند زیرا تکنیک مربوط به نفت روز بروز در حال ترقی و پیشرفت میباشد. در این زمینه خاطر نشان نمودم که جلب مساعدت فنی تا حدی که مورد لزوم است نمی توان بوسیله استخدام کارشناسان فنی بطور انفراد تحصیل نمود بلکه لازم است دستگاه جرب ومسئولی برای صنعت نفت ایجاد گردد و بدون چنین دستگاهی جریان امور صنعت مختل مانده و کارشناسان خارجی که مردمان آزادی هستند حاضر بادامه کار نخواهند بود.

اینجانب از روی کمال جدیت و صراحت در همه موقع نظریات خود را بطور بیطرفانه اظهار نموده ام باین امید که منجر به یافتن راه حل منصفانه برای مشکلات بشود. این راه حل در صورتی بدست خواهد آمد که جنبه های عملی و تجارتي این مسئله بطوری که  ملاحظه می شود و اینجانب توضیح داده ام مورد توجه قرار گیرد. هیئت نمایندگی انگلستان فهرست پیشنهاداتی برای حل و قطع این اختلاف بهیئت نمایندگی ایران تسلیم نمودند و انتظار داشتم که مذاکرات بر روی زمینه این پیشنهادات شروع گردد و پس از آن ترتیباتی برای جزئیات امر که مبتنی بر روی اصول انصاف و اصول تجارت بوده باشد طبق فرمولیکه باینجانب تسلیم شده بود یافت بشود هیئت نمایندگی انگلستان باطلاع اینجانب رسانیده اند که چون دولت شاهنشاهی ایران پیشنهادات آنها را بنحودیگری درک و استنباط نموده اند یعنی آنچه مقصود اصلی بوده لذا پیشنهادات مزبور راپس گرفته اند. دولت شاهنشاهی ایران در مذاکرات با اینجانب ابراز فرموده اند که قصد مصادره اموال شرکت سابق نفت را ندارند. نظر دولت من براین است که قبضه هایملک یک شرکت خارجی بوسیله دولتی بدون پرداخت پاداش فوری و مکفی ومؤثر و با دادن ترتیبی که مرضی الطرفین بوده باشد بایستی مصادره نامیده شود و نه ملی شدن. بنابراین ترتیبات رضایت بخشی کمال لزوم را دارد و بعقیده من هرگاه چنین ترتیباتی داده شود هم دولت ایران بآمال ملی خود خواهد رسید و کنترل و نظارت برصنعت نفت را در داخله خود بدست خواهد آورد وهمچنین درآمد زیادی تحصیل خواهد نمود که بتواند بوسیله آن استعداد های اقتصادی بالقوه کشور را بفعل درآورد. در این مسافرت امکانات زیادی برای پیشرفت اقتصادی ایران و توسعه وسائل بهداشت و رفاه وآسایش مردم ایران مرا تحت تأثیر شدید خود قرار داده است. حصول باین هدفها بوسیله بهبود وضع آبیاری و ازدیاد قنوات وبهبود روش های کشاورزی و ایجاد وسایل ارتباطیه وسایر وسایل ممکن خواهد بود ولی عملی ساختن این قبیل برنامه ها موکول باین است که مسئله نفت حل بشود و حداکثر درآمد از این صنعت تأمین گردد. دولت وملت اتازونی اشتیاق دارند که کشور ایران را برای حصول باین مقاصد کمک ومساعدت نمایند.

کمال تأسفرا دارم که مساعی مبذوله برای پیدا کردن راه حلی تابحال به نتیجه مثبتی نرسیده و رجاء وائق دارم که دولت شاهنشاهی ایران نظریات اینجانب را که از روی کمال صداقت و دوستی میباشد مورد مذاقه کامل قرار بدهند :

موقع را برای تقدیم احترامات فائمه مقتنم می شمارد
امضاء - اوول هر یمن

خلاصه جریان مذاکراتی که با هیئت نمایندگی انگلستان تا این تاریخ صورت گرفته بشرح مذکور بعرض نمایندگان محترم رسید و اکنون دولت ایران منتظر است که نمایندگان انگلستان جواب آخرین نامه را که روز قبل اینجانب به آقای استوکس نوشته ام بدهند تا هیئت نمایندگی ایران بتواند پیشنهادی را که زمینه مذاکرات جدید خواهد بود به هیئت نمایندگی انگلستان تسلیم نماید .

در خاتمه لازم میدانم مراتب ذیل را بعرض نمایندگان محترم مجلس برسانم . در کشور ایران دواقلیت کوچک با افکار متناقض وجود دارند که در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بصورت های مختلف مخالفت و کارشکنی می نمایند .

۱- اقلیت کوچکی که بهیچ قیمت و بهیچ عنوانی حاضر نیست برای مسئله نفت راه حلی پیدا شود مبدا در نتیجه آن ملت ایران بتواند بدست خود عدالت اجتماعی و استقلال سیاسی و اقتصادی کامل خویش را تأمین نماید .



۲- عده معدودی که زندگی و حیثیت صوری آنها از خدمتگذاری سیاست شرکت نفت بوجود آمده و این عده برای پیشرفت مقاصد شرکت سابق از هیچ اقدامی خودداری نمی نمایند .

در مقابل این افراد معدود افکار عمومی ملت ایران قرار دارد . باید اقرار و اعتراف نمود اگر مسئله نفت باین پایه پیشرفت کرده و قوانین ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلسین رسیده و بمرحله اجرا درآمده در نتیجه قیام عمومی ملت بوده است .

هرگاه در کشور ما متخصص و کارشناس نفت بعهده کافی وجود داشت لازم بود که تمام امور مربوط بصنعت نفت بوسیله کارشناسان ایرانی اداره شود ولی چون تاکنون عده کافی کارشناس و متخصص نفت برای کشور ما تهیه و تربیت نشده دولت ناچار است از وجود کارشناسان خارجی استفاده نماید . استفاده از کارشناسان البته مستلزم اعطای اختیارات لازم بآنها خواهد بود و دولت حاضر است بموجب قوانین و مقررات داخلی و قرار داد های فردی که بر اساس قانون ایران منعقد شده باشد اختیارات لازم بآنها بدهد ولی بهیچوجه صلاح نمیداند که این اختیارات بیک سازمان خارجی داده شود بخصوص که چنین قراردادی مخالف اصل ملی شدن صنعت نفت است که برطبق آن تمام امور اکتشاف و استخراج و بهره برداری باید بدست دولت باشد .

در مورد فروش نفت هم نظر دولت اینست همانطور که قانون مقرر داشته نفت ایران بنرخ عادلانه بین المللی بمقدار متوسطی که در سه سال اخیر هر یک از کشورهای مشتری نفت ایران خریداری کرده اند بآنها فروخته شود و نسبت بمآزاد محصول هم با شرایط مساوی حق تقدم داشته باشند و برای انجام این منظور حاضر است قرارداد های عادلانه که مدت و شرایط آن باتوافق طرفین معین خواهد گردید منعقد نماید .

ولی توضیح و تأکید این نکته را لازم میدانم که خواه این دولت بر سر کار باشد و خواه دولت دیگری مسئول امور بشود بهر حال و تا زمانی که موضوع گرامات و دعاوی احتمالی کمپانی سابق نفت و دعاوی و مطالبات دولت ایران از کمپانی مزبور حل نشده و شرایط آن معین نگردیده صدور نفت از کشور باید ممنوع باشد زیرا چنانچه دولت ایران بیک توافق موقت تن در دهد و صدور نفت بدون آنکه مسئله گرامات حل شده باشد مجاز شود ممکن است میزان گرامات و خسارات احتمالی شرکت سابق و شرایط پرداخت آنرا بجائی برسانند که هیچوقت ملت ایران نتواند از زیر بار سنگین آن کمر راست کند.

تا سه چهار روز قبل اختلافی که بین هیئت ایرانی و هیئت انگلیسی بود راجع بمسئله سازمان بود. آنها میگفتند که باید يك سازمانی باشد که واسطه بین شرکت ملی نفت ایران و خریداران باشد و تمام کارهای شرکت را این سازمان اداره کند پس از آنکه آن هشت ماده را استرداد کردند می خواهند يك کسی حالا معلوم نیست که بچه عنوان شاید بعنوان مدیر عامل یا عنوان دیگر باشد و بنده اینجا يك قسمت از نامه را که بآنها نوشته ام عین عبارتی را که نوشته شده باید عرض کنم « چون دولت مشغول است نظر خود را برای حصول توافق تهیه و تسلیم نمایند خواهشمندم جزئیات آن اصلی که در نامه خود بآن اشاره فرموده اید که موجب خواهد شد کارمندان انگلیسی در تصفیه خانه و مناطق نفت خیز بمانند بطور روشن مرقوم فرمائید تا دولت بتواند پس از مشاوره نظر خود را بطور قطع ضمن سایر مطالب برای مذاکره اعلام دارد. » روی این اصل مدیر عامل باشد یا يك شخص دیگری باشد آنکسی است که يك اختیاراتی برای او میخواهند که شرکت نفت را اداره بکند و البته گفتند غیر از فروش و فروش هم مطلب مهمی نیست و فروش را البته هیئت مدیره نفت ملی ایران باید بفروشد و قرارداد منعقد کند. نظر بنده قبل از اینکه هشت ماده را پس بگیرند در مذاکرات این بود که شرکت نفت سابق يك تشکیلاتی داشته يك دوائر و شعبی داشته که هر کدام مأمور کاری بودند مثلاً شعبه تصفیه، شعبه استخراج، شعبه اکتشاف، شعبه پرسنل که کارگزینی باشد و سایر شعب، متخصصین فنی که در آنجاها کار می کنند آنها تابع رئیس هر شعبه خواهند بود و بهر شعبه اختیارات تامی داده میشود که بتوانند کارهای آنها را اداره بکنند بنا بر این لازم نیست که يك سازمان دیگری بایک قدرت نامحدودی بوجود بیاید که ما نمیتوانیم بدانیم که صورت اینکار چه میشود. رؤسای شعب میتوانند بهیئت مدیره نفت ملی مراجعه کنند و مشکلات خود را و احتیاجات خود را تأمین کنند. بهر حال پس از اینکه آن هشت ماده را پس گرفتند تقاضا نمودند که شخصی که آنها فقط انگلیسی باشد نه از ملل دیگر و نه ایرانی کار شرکت نفت را اداره بکند و ابسته به شرکت ملی نفت ایران و دوائر و شعب نفت باشد این اختلاف بین دولت و نمایندگان انگلیس هست در نامه ای که امروز رسید اینطور می نویسد که قرائت نشده است حالا من قرائت میکنم.

۲۲ اوت ۱۹۵۱

نخست وزیر عزیزم

در ملاقات دیروز ما که دو ساعت بطول انجامید وظایف و مسئولیت های يك سازمان عامل و یا يك مدیر کل را در مورد شرکت نفت ملی ایران تا حدی که ممکن بود بر آن جناب روشن ساختم خود جتابعالی باینجناب اطمینان داده بودید که هیئت کارمندان انگلیسی طبق قانون میتوانند وظایف و مسئولیت های خود را

کمافی السابق ادامه بدهند ولی اظهارات دیروز جنابعالی در مورد اصرار ورزیدن در تقسیم مسئولیت کاملاً غیر منتظره بود.

بعقیده من هر گاه این کار عملی بشود اداره امور بایسکاه و چاههای نفت کاملاً غیر مقدور خواهد بود. من میبایستی این شرط اصلی را که هیئت کارمندان انگلیسی بایستی در تحت نظر دستگاہی کار بکنند که ورزیده و کاردان باشند مؤکد نمایم.

اینها مردان آزادی هستند و هر گاه راضی نباشند هیچگونه قراردادی که بین دولتین ما منعقد شود نخواهد توانست آنها را در ایران نگاه بدارد.

نمیتوانم باور بکنم که قصد جنابعالی این بوده باشد که تنظیم یک ترتیب تجارتم را برای ما غیر مقدور بفهمائید یعنی یک ترتیبی که هیئت کارمندان انگلیسی را قادر بسازد که بخدمات خود در ایران ادامه داده و در راه کاهیابی این کشور سهم خود را ادا نمایند.

امید وارم که قبل از ظهر امروز جواب جنابعالی را بشنوم.

باتقدیم مراتب ارادت - استوکس

البته اگر مذاکرات ادامه پیدا کند دولت  خواهد کرد که این مسئله ایکه تاریک است روشن بشود و هر اقدامی که بشود البته در صلاح مملکت خواهد بود. بنده تقاضا می کنم از آقایان اگر عملیات دولت را تا کنون بر صلاح مملکت دیده اند و اگر با رفتار دولت موافق هستند از رأی اعتماد خودشان نسبت بدولت فروگذار نفرمایند تا دولت با کمال اطمینان بتواند در اینکار آنچه را که وظیفه دارد انجام دهد.

متن نامه ایکه آقای استوکس مهر دار سلطنتی راجع بکارمندان انگلیسی آبادان به آقای
دکتر محمد مصدق نخست وزیر نوشته و جوایکه بآن داده شده است

نامه آقای استوکس و ضمیمه آن:

قصر صاحبقرانیه - ۱۷ اوت ۱۹۵۱

نخست وزیر عزیزم

در ملاقاتیکه در چهاردهم اوت حاصل شد باستحضار آنجناب رسانیدم که اینجناب شخصاً از وضع آبادان
نهایت نومییدی را دارم و حال آنکه دولت شاهنشاهی ایران تشخیص داده اند که برای موقع مذاکرات بایستی
تا جائیکه ممکن است محیط مساعدی فراهم نمود ولی برعکس اوضاع در آبادان و مناطق نفت خیز بدتر شده است.
از اینجناب دعوت شده بود که نمونه‌هایی از این موارد را که در خاطر خودم دارم بعرض برسانم بطوریکه عرض کردم
قبلاً صورتی از شکایات کارمندان انگلیسی را بوسیله آقای بوشهری تقدیم داشتم باین نظر که از لحاظ جنابعالی
بگذرانند و همچنین وعده دادم که یادداشت دیگری در همین موضوع تقدیم بدارم.

اما راجع به هیئت کارمندان انگلیسی در آبادان بایستی بعرض برسانم که همه گونه دخالتی در امور
شخصی آنها از طرف نظامیان و پلیس و افراد سویل میشود و این نوع رفتار البته بامذاکراتیکه الان در تهران
در جریان است مغایرت دارد. نمونه‌هایی از این مداخلات عبارتند از:

- ۱) اتومبیل‌های شخصی شان تفتیش میشود.
 - ۲) کاغذ‌های رسمی و شخصی آنان بوسیله مقامات نظامی بازرسی میگردد.
 - ۳) کارمندان ایرانی را و ادار مینمایند که مراقب کارمندان انگلیسی بوده و عملیات آنها را تجسس نمایند.
 - ۴) امنیت مالی شدیداً نقصان یافته بطوریکه در منازل شخصی دزدیهای متعددی صورت گرفته است
باوجود اینکه قوای تأمینیه بحد وافی و کافی در محل حاضر میباشد.
 - ۵) طبع و توزیع روزنامه انگلیسی ممنوع شده است.
 - ۶) مأمورین گمرک با کارمندان انگلیسی رفتار غیر دوستانه‌ای دارند.
- این نوع دخالت در زندگی عادی و کار روزانه کارمندان انگلیسی محدود و محصور به آبادان نمیشد.
برای استحضار آنجناب و رسیدگی فوری ضمناً رونوشت نامه ایکه از کمیته مشاوره نمایندگان
کارمندان انگلیسی بتاريخ شانزدهم برای اینجناب ارسال شده تقدیم میدارم وبخصوص عطف توجه آنجناب را
بدو قسمت اخیر این نامه خواستار است. این نامه گویاتر از بیان قاصر اینجناب میباشد و وضع و فشار غیرقابل
تحملی را که کارمندان انگلیسی بایستی در حین انجام وظایف خود ببینند و همچنین دلائلی را که هرگاه وضع
عادی برقرار نگردد کلیه کارمندان انگلیسی ایران را ترک و بوطن خود بازگشت خواهند نمود متضمن میباشد.
در خاتمه این نکته را خاطر نشان آنجناب مینمایم که هرگاه قدم‌هایی برای بهبود وضع در جنوب
برداشته نشود برای اینجناب غیر مقدور خواهد بود که بعنوان میهمان دولت شاهنشاهی در اینجا بمانم.
با تقدیم صمیمی‌ترین احترامات از طرف شخص خودم.

ارادتمند شما - استوکس

نامه هیئت کارمندان انگلیسی که در تاریخ شانزدهم اوت به آقای استوکس تسلیم شده است :

آقای محترم :

- ۱) پیرو جلسه ای که نمایندگان هیئت مشاورین کارمندان انگلیسی در آبادان با شما تشکیل داده و نمایندگی کارمندان مناطق نفت خیز در این جلسه با مستر بلاک لا بود اینک ما کارمندان انگلیسی که در مناطق نفت خیز مشغول هستیم کلیه نکات را که در آن جلسه مورد بحث واقع شده کاملاً تصویب و از آن پشتیبانی مینمائیم.
- ۲) میخواستیم نظر شما را باین نکته جلب نمائیم که با وجود اینکه در حین انجام مذاکرات شخص شما میهمان دولت ایران میباشید معیناً دخالت مأمورین ایرانی در کار کارمندان انگلیسی تخفیفی حاصل نموده است بلکه سیاستمداران ایرانی را که شما انتظار داشتید تهران بازگشت نمایند هنوز در خوزستان میباشند و آن حالت کشش و ناراحتی که بین ایرانیها و انگلیسیها وجود داشته هنوز مع التأسف کمتر نشده است.
- ۳) شما نظرتان را باین نحو بیان نمودید که در ظرف مدت ده الی چهارده روز توافقی بین شما و دولت شاهنشاهی ایران بهر نحویکه بوده باشد حاصل خواهد شد و اینک با کمال احترام شما را مستحضر میداریم که ما نمیتوانیم به دلائل ذیل بیش از این پس از انقضاء مدت مذکور بلا تکلیف بمانیم :
 - الف - عملیات تعطیل شده ادامه این حالت وقفه ورکود بدون اینکه امید کار تولیدی در نظر باشد برای روحیه ما فوق العاده مخرب میباشد و لذا بایستی در جستجوی کاری در خارج از ایران بر آئیم.
 - ب - چون اسباب و اثاثیه شخصی خود را بسته و با هم حمل بخارج نموده ایم زندگی در منازل بدون اثاثیه در این هوای گرم خیلی ما را ناراحت دارد.
 - ج - از طرف دیگر عیال و فرزندان ما در انگلستان ناراحت و بلا تکلیف هستند و هر گاه اولاد ما نخواهند بایران بازگردند بایستی در فکر خانه زمستانی و مدرسه برای آنها بوده باشیم.
 - د - اینطور بنظر ما می آید که در تحت شرایط فعلی هر چه بیشتر مدت اقامت ما بطول بیانجامد احساسات نامساعدیکه فعلاً بین ایرانیان و انگلیسیها موجود است بر شدت خود خواهد افزود و بقرض اینکه عملیات تولیدی دوباره شروع بشود کارمندان انگلیسی اکنون که سلطه و احترام خود را در اثر اقدامات سیاستمداران ایرانی که با سوء نیت توأم بوده در ظرف دوازده ماهه اخیر از دست داده اند قادر نخواهند بود دستگاہها را از روی اطمینان و کاردانی اداره نمایند.
 - ه - احترام دو جانبه و حسن نیتی که بین کارمندان انگلیسی و کارمندان ایرانی و کارگران در مناطق نفت خیز در طول مدت پیدا شده بود متأسفانه بطور شدید بلکه غیر قابل جبرانی در اثر اقدامات چندین نفر سیاستمدار تهرانی که نه تجربه ای در کار نفت و نه اطلاعات صحیحی درباره خوزستان دارند بکلی از بین رفته است. از طرف کمیته مشاورین هیئت کارمندان انگلیسی در مناطق نفت خیز امضاء شده است.

پاسخ آقای نخست وزیر :

لرد پروریسیل عزیزم

مراسله مورخه ۱۷ اوت آنجناب بانضمام نامه کارمندان انگلیسی مقیم خوزستان را دریافت و برای استحضار و رفع نگرانی خاطر آنجناب مراتب زیر را اشعار میدارد :

۱) همانطور که آنجناب متذکر شده اند دولت شاهنشاهی ایران معتقد است که برای حسن جریان مذاکرات میبایستی تا آنجا که ممکن باشد محیط مساعدی بوسیله طرفین ایجاد گردد و بهمین منظور دستورات لازمه بمأمورین رسمی دولتی داده شده است .

۲) یقین دارم آنجناب لزوم مراعات مقررات حکومت نظامی را که برای حفظ امنیت در آن حدود برقرار گردیده مورد توجه قرار داده و تذکرات لازمه را بمأمورین انگلیسی خواهند داد .

۳) موضوع امنیت مالی واشکالاتیکه متذکر شده اید بمأمورین کمر کی فراهم ساخته اند فوراً توضیحات لازمه از مأمورین مربوطه خواسته شد .

۴) جنابعالی میهمان گرامی دولت شاهنشاهی بوده و رضایت جنابعالی در مدت توقفتان در ایران مورد توجه شخص اینجناب بوده و برای موفقیت جنابعالی در این مأموریت مهم نهایت جدیت را خواهد نمود .

احترامات فائمه خود را تجدید و تقدیم میدارد - نخست وزیر

جناب آقای لردپریویسیل - طهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

طرح ذیل را روز چهارشنبه ۳۰ مرداد آقای نخست وزیر با آقای استوکس تسلیم نموده اند
طرح زمینه برای مذاکرات آینده نمایندگان دولت انگلستان و نمایندگان دولت ایران
نظر دولت ایران در باب حل مسائل ناشیه از ملی شدن صنعت نفت در ایران

ملی شدن صنعت نفت در ایران و قبول آن از طرف دولت انگلیس اصالتاً و بنمایندگی از طرف شرکت
نفت مسائلی بوجود آورده از جمله سه مسئله فروش نفت بمشتریان سابق و استفاده از متخصصین خارجی و تعیین
غرامات که باید راه حلی برای آنها پیدا کرد.
واضح است که این راه حل باید از یکطرف منافع دولت ایران و از طرف دیگر منافع مشتریان
و سهامداران شرکت سابق را در حدود قوانین ملی شدن نفت باهم التیام دهد.
دولت ایران پس از مشاوره با هیئت مختلط راه حل ذیل را بمنظور وصول باین نتیجه برای بحث و
مذاکره هیئت مشترک نمایندگان انگلیس و ایران پیشنهاد مینماید.

۱) فروش نفت بمشتریان سابق

دولت ایران برای اینکه بمشتریان سابق نفت ایران لطمه ای وارد نیاید حق خرید آنها را محفوظ
میدارد حتی برای آنها نسبت بمشتریان تازه مزیتی قائل است. دولت انگلیس و سایر مشتریان سابق نفت میتوانند
از این حق کاملاً استفاده نمایند و همان مقدار نفتی که سابقاً خریداری میکردند از این ببعدهم بنرخ عادلۀ
بین المللی بر اساس قراردادهای تجارتهای خریداری نمایند. بعلاوه اگر نفت پس از فروش بمشتریان سابق اضافه ای
پیدا کرد برای خرید این مازاد هم مشتریان سابق باتساوی شرایط مقدم خواهند بود.

فروش محصولات شرکت ملی نفت ایران بر اساس قیمت فوب دربندر ایران خواهد بود. شرکت ملی
نفت ایران حاضر است با هر یک از مشتریان سابق قرارداد های فردی منعقد نماید و هر یک از مشتریان سابق
میتوانند مستقیماً یا توسط مؤسسات یا شرکتهای حمل و نقل و توزیع نفت خود را دریافت دارند و واضح است که
مشتریان سابق میتوانند برای دریافت سهم نفت خریداری خود بیک یا چند مؤسسه حمل و نقل و توزیع وکالت دهند.

۲) استفاده از متخصصین خارجی

شرکت ملی نفت ایران متخصصین خارجی را باتمام حقوق و مزایائی که در شرکت سابق نفت دارا بوده اند
بموجب قرارداد های فردی در مقابل آنها نگاهداری خواهد کرد.

نیز برای اینکه در تشکیلات شرکت سابق تغییری حاصل نشود و در این صنعت عظیم اختلالی روی ندهد
تمام آن تشکیلات حتی مقررات اداری و فنی سابق را محفوظ خواهد داشت (جز آنچه باملی شدن نفت مبیانت
داشته باشد) و تمام قسمتهای فنی و اداری را بهمان ترتیب سابق بجزریان خواهد انداخت و این قسمتها را بدست
کارشناسان اعم از خارجی یا داخلی خواهد سپرد و در کارهای جاری و روزانه برؤسای قسمتها اختیارات کافی داده
خواهد شد که برای پیشرفت کار خود آزادی عمل داشته باشند.

بعلاوه برای اینکه شرکت ملی نفت ایران از حیث ترقیات علمی و فنی و اداری از سایر شرکتهای نفت

دنیا عقب نماند عده کافی از متخصصین درجه اول نفت دنیا از بین افراد کشورهایی که در ایران نظر سیاسی خاص ندارند برای عضویت در هیئت مدیره استخدام خواهند شد.

۳ - غرامات

در موضوع غرامات بطوری که کراراً توضیح داده شده مجدداً تذکر میدهد که دولت حاضر است نسبت بدعاوی و مطالبات شرکت سابق نفت راجع بمایملک آن شرکت در ایران با رعایت دعاوی و مطالباتی که دولت ایران نسبت بشرکت مزبور دارد رسیدگی کامل و عادلانه و تعیین حقوق طرفین و تصفیه آن توافق کند. واضح است که کلیه مطالب مذکور در فوق فقط زمینهای برای مذاکره است و برای طرفین تمهیدآور نیست.

بدنبالۀ مذاکراتی که ساعت ۸ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ بین آقای استوکس مهربدار سلطنتی رئیس هیئت نمایندگی انگلستان و آقای دکتر مصدق نخست وزیر صورت گرفت یادداشت ذیل را آقای نخست وزیر با آقای مهربدار سلطنتی تسلیم نمودند:

راجع بجزریان امور فنی و اداری که تقاضا فرموده اید ترتیبی داده شود که کارمندان انگلیسی بتوانند بخدمت خود ادامه بدهند در صورتیکه راجع بمسئله فروش و غرامت نظریات دولت شاهنشاهی را مورد توجه قرار بدهید در ایجاد یک دستگاه اطمینان بخش توافق خواهیم کرد.

متن آخرین نامه ایکه از طرف آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر به آقای هاریمن
قبل از عزیمت از تهران نوشته شده است :

طهران اول شهریور سال ۱۳۳۰

هاریمن عزیزم

جای تأسف است که مذاکرات هیئت مشترک نمایندگی انگلیس و ایران دچار مخاطره بن بست شده
اینجناب پیوسته امیدوار بوده است که در مسائل مشترک مساعی طرفین به نتیجه برسد .
تشریف فرمائی آنجناب بتقاضای حضرت ترومن رئیس جمهور دول متحده امریکا از نظر یافتن راه
حل برای مسئله نفت از طرف دولت ایران باحسن قبولی تلقی شد . دولت و ملت ایران احساسات دوستانه دولت
و ملت امریکا را نسبت بخود صمیمانه تقدیر میکند و اذعان دارد که نفت ایران برای اقتصادات این کشور و دنیای
آزاد اهمیت فوق العاده دارد و تمام مساعی ما برای پیدا کردن راه حل بهمین دلیل بوده است که منافع دنیای
آزاد را با منافع ملی خود که بهیچوجه نمیتوانیم از آن انحرافی حاصل کنیم التیام دهیم .
در نتیجه مذاکرات جنابعالی دولت ایران فورمولی را برای مذاکره با دولت انگلیس بنمایندهای از طرف
شرکت سابق نفت پذیرفت و ما امیدوار بودیم که مذاکرات در حدود همان فورمول بین نمایندگان دولتین انجام
گیرد . متأسفانه در این باب تا کنون تفاهمی حاصل نشده است .

مساعی آنجناب در تفهیم مقاصد دولت و ملت ایران بهیئت نمایندگی انگلیس توضیح و تشریح تجارت
بین المللی نفت بهیئت نمایندگی ایران مورد تشکر است ولی متأسفانه در پیشنهاد هائی که از طرف هیئت نمایندگی
انگلیس داده شده بود توجه کامل باستقلال اقتصادی و سیاسی این کشور نشده و اصول عادی و متداول تجارت
بین المللی رعایت نگردیده و بنا بر این برای دولت و ملت ایران قابل قبول نبود .


در موضوع پرداخت غرامت از بابت مایملک شرکت سابق نفت بطوریکه کرا را توضیح داده شده و در قانون
ایران نیز پیش بینی گردیده دولت ایران بهیچوجه قصد مصادره نداشته بلکه حاضر بوده و هست که از روی
قیمت سهام شرکت سابق و یا بر طبق طریق متداول ملی کردن صنایع در دنیا از آنجمله در خود انگلستان و یا چنانچه
امکان پذیر باشد با تراضی با شرکت سابق نفت پس از رسیدگی بدعاوی و مطالبات طرفین ترتیب پرداخت غرامات را
بدهد و این بکلی با عنوان مصادره که در نامه آنجناب بان اشاره شده متفاوت است .

اما درباره فروش و تجارت نفت باتوجه باینکه صدور نفت بمقادیر زیاد و استفاده از وسائل و شرکتها
و سازمانهای عظیم حمل و نقل و توزیع برای کشور ما و دنیای آزاد مفید و ضروری است تذکر میدهد که چون
دولت ایران نفت را بنرخ بین المللی تحویل کشتی بندر ایران (F. O. B.) میفروشد و شرکت ها
و سازمان های عامل خرید با قیمتی که آنها در بازارهای دنیا بفروش میرسانند مخارج حمل و نقل و بیمه
و توزیع و منافع خود را منظور میدارند دیگر نباید توقعات خارج از رویه معمول و متداول تجارتهای مانند
شرکت در منافع از دولت و ملت ایران که مولد نفت است داشته باشند . پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان این
بود که نفت را بمقادیر بسیار زیاد بقیمت بندر تجارتهای ایران خریداری نماید و تخفیفی در قیمت بانها داده شود
که معادل پنجاه درصد منافع شرکت ملی نفت ایران باشد البته تصدیق میفرمائید که چنین پیشنهادی بهیچوجه
با قاعده عدل و انصاف و اصول اقتصادی و رویه معمول تجارتهای درست در نمیآید .

در باب مسئله متخصصین دولت ایران پیوسته متوجه این مسئله بوده و اعتراف دارد که سهولت و درمدمت قلیل نمیتوان عده کافی و هم آهنگ متخصصین فراهم نمود که دستگاه نفت را براه اندازد و بهمین دلیل تا کنون درصدد استخدام هیچیک از متخصصین که برای استخدام رجوع کرده اند بر نیامده و میخواهد با همان متخصصین شرکت سابق کار را ادامه دهد و بآنها اختیارات و آزادی عمل کافی برای انجام وظائف اعطاء نماید ولی ضمناً نمیخواهد در این موضوع با هیچ دولت و سازمان خارجی طرف قرارداد واقع شود و با تجارب تلخی که از شرکت سابق نفت دارد مجدداً اختیارات خود را در این امر حیاتی محدود نماید.

مکرر اظهار شده که متخصصین مردم آزادی هستند و کسی نمیتواند آنها را مجبور بخدمت کند. این مسئله توضیح واضح است و دولت ایران هرگز نخواسته است آنها را مجبور بخدمت کند. مبنای قرارداد رضای طرفین است و هر خارجی که رضا داد مستخدم ایران خواهد شد.

بطوریکه در نامه آنجناب مرقوم شده هیئت نمایندگی انگلستان بعلمت آنکه دولت ایران پیشنهادات آنها را بنحود دیگری یعنی غیر از آنچه مقصود اصلی آنها بوده درک نموده پیشنهادهای مزبور را مسترد داشته است. اکنون دولت ایران انتظار دارد پیشنهادی را که بهیئت نمایندگی انگلستان تقدیم کرده مورد مطالعه و توجه قرار گرفته و چنانچه در آن باب نظریاتی داشته باشند بدولت ایران اعلام نمایند. ما نمیگوئیم که پیشنهاد ما کافی و وافی برای مقصود است. فقط میخواهیم که پیشنهادهای مذکور مبنای مذاکرات جدید باشد.

دولت ایران لازم میدانند بار دیگر با  بصمیمیت کمال علاقه خود را باینکه مساعی مبذوله آنجناب به نتیجه مثبت منتهی گردد اظهار نماید و امیدوار است که علاقه و توجه خود را برای حسن خاتمه عمل کما فی السابق مبذول فرمائید.





تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۰

شماره

پست

سخت وزیر

ساعت ۱/۴ صبح روز سه شنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۰ جلسه مشترک هیئت دولت و کمیسیون مختلط در منزل آقای دکتر صدق تشکیل گردید ابتدا یادداشت پیشنهادی هیئت نمایندگان انگلستان که در هشت ماهه تنظیم شده بود خوانده شد و آقای مهندس رحیمی نیز توضیحات اضافی که هیئت مزبور شفاها داده بود با استحضار آقایان وزیران و اعضای کمیسیون مختلط رسانید پس از مذاکرات مفصل که درباره تهیه جواب و ترتیب مذاکره و اظهار نظر دولت ایران در باره پیشنهاد های مزبور بعمل آمد موافقت شد که آقای نخست وزیر سر رئیس هیئت نمایندگان انگلستان شفاها متذکر شوند که پیشنهاد یک دیشب به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شده با فورمول چهار ماده ای که قبلا توسط آقای هرمن با استحضار اولیای دولت انگلستان رسیده تطبیق نمیکند و بهتر است که آقای استوکس اگر بخواهند پیشنهاد ایشان مورد قبول و بحث و مذاکره قرار گیرد مواد پیشنهاد خود را با اصولیکه قبلا توافق شده تطبیق دهند تا در جلسه بعد که با نمایندگان ایران تشکیل خواهد داد ادامه مذاکرات امکان پذیر باشد.

ضمناً آقایان دکتر متین دفتری - صالح - دکتر شایگان - کاظمی - دکتر سنجابی - دکتر معظی انتخاب گردیدند که جواب پیشنهاد هیئت نمایندگی انگلستان را بطور خلاصه بر اساس اظهاراتیکه مقرر گردید آقای نخست وزیر آقای استوکس بنمایند تهیه و برای تصویب هیئت دولت و هیئت مختلط بیاورند و موارد مهمی را که دولت ایران طبق قانون برای مذاکره آماده است تذکر دهند.

تذکر دهند:



تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۰

شماره

پیوست

مطالبی که آقای نخست‌وزیر شفاها باید به مستر استوکس رئیس نمایندگی انگلستان بگویند روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۰ از طرف هیئت نمایندگی انگلستان به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شده با فورمولی که توسط آقای هرمن بدولت انگلستان داده شده و مبنای مذاکرات می‌باشد مطابقت ندارد و بنابراین مسائلی که طبق فورمول مذکور می‌توان در اطراف آن مذاکره کرد سه مورد ذیل می‌باشد:

- (۱) موضوع خرید نفت برای احتیاجات انگلستان
 - (۲) موضوع رسیدگی بدعاوی حقه دولت ایران و شرکت سابق نفت
 - (۳) موضوع ادامه خدمت متخصصین فنی انگلیسی
- بدیهی است هر نوع نظری در باب مسائل سه گانه فوق طبق فورمول ۲۲ تیر ۱۳۳۰

اظهار شود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

Handwritten signatures and stamps, including the name 'دکتر زنده رستمی' and a date '۲۲ تیر ۱۳۳۰'.



کتابخانه اسناد و کتابخانه مرکزی

۲۰۵ / ۱۹ / ۱
—————
۱۹ ۱۵

متن گزارش

آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر

در جلسه

۱۷ شهریور ماه ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی

راجع به

سیاست دولت در موضوع نفت

قبل از شروع در موضوع تأسفات خود را از بیانات جناب آقای مشار وزیر پست و تلگراف راجع بجناب آقای فرامرزی نماینده محترم مجلس باید عرض کنم: آقای فرامرزی یکی از آن اشخاصی است که در دوره چهاردهم تقنینیه با اینجانب در تمام دوره وقتی در اقلیت بودم همکاری کردند و در این دوره یکی از آن اشخاصی هستند که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را امضاء کردند. آقای فرامرزی از آن نمایندگان نیستند که برای منافع شخصی خود چیزی از دولتی تقاضا کنند. ایشان از این دولت خواستند که در حوزه انتخابیه ایشان که از هر جهت فاقد وسائل ارتباط است سه بی سیم نصب شود که مردم بتوانند مقاصد یعنی احتیاجات خود را بوسیله این سه بی سیم رفع کنند و این سه بی سیم خرج زیادی نداشت و من با آقای مشار دو مرتبه تأکید کردم که این کار چون منافع عمومی دارد باید اقدام کنید. ایشان اقدام نکردند و آن بیانات در مجلس شورای ملی مبادرت نمودند. این است که بنده از ایشان معذرت می‌خواهم و نسبت بآن اشخاصی که در مجلس بدولت توهین کرده اند گله نمیکنم بجهت اینکه ما میگوئیم برای کشته شدن حاضریم. وقتی که کسی برای کشته شدن حاضر شده باشد دشنام، ضرب و جرح در مراحل اولیه است. اگر کسی برای کشته شدن حاضر باشد هرگز نباید از دشنام یک نماینده‌ای شکایت کند. عقیده من این است وزن اشخاص در جامعه بقدر خدمت و مشقتی است که بجامعه میکنند. هر قدر که نمایندگان مجلس شورای ملی بشخص من، هر قدر اشخاصی بشخص من فحش و دشنام بدهند اهمیت من در این جامعه بیشتر است. من هرگز این اهمیت را برای یک کارهای کوچکی فدا نمی‌کنم. من از همه خواهانم از آن اشخاصی که با سیاست این دولت موافق نیستند از فحش و ضرب و جرح و قتل خودداری نکنند. شخص من برای تمام این کارها حاضرم بنابراین هیچ جای گله نیست. آن اشخاصی که تصور کرده اند دولت از این قبیل حرف‌ها کنار میرود و دولت را میتوانند با فحش و دشنام کنار کنند تصور بیهوده و باطلی کرده اند. من هیچ خیال نداشتم و نمی‌خواستم امروز بمجلس بیایم. بعضی از نمایندگان محترم بمن تلفن کردند تا اکثریت نشده به مجلس نیایم ولی من آمدم و اکنون عرایض خودم را بطور اختصار عرض میکنم و قضاوت آنرا بعهده ملت ایران میگذارم.

در این مملکت سه عقیده است. اول عقیده هواخواهان سیاست انگلیس. پیروان این عقیده میگویند تا دولت انگلیس منافی از این مملکت نبرد هرگز راضی نمیشود که از استقلال این مملکت دفاع کند. باید دولت انگلیس منافی ببرد تا آن منافع او را مجبور کند که از استقلال این مملکت دفاع کند. من اینجا سؤال میکنم که دولت انگلیس که با استقلال این مملکت هیچوقت عقیده نداشته چطور میتواند چیزی که عقیده نداشته اقدام کند. دولت انگلیس همان دولتی است که در قرارداد ۱۹۱۹ وقتی که دولت شوروی از صحنه سیاست این مملکت خارج شد آمد با دولت ایران قرارداد تحت الحمايه بست. این قرارداد در ماده اول میگوید که دولت ایران مستقل است و دولت انگلیس آزادی او را تأمین میکند. ولی در ماده دوم میگوید قشون این دولت و در ماده سوم مالیه این مملکت باید تحت نظارت و تفتیش دولت انگلیس واقع شود. من از آقایان میپرسم یک دولتی که عقیده با استقلال مملکتی داشته باشد چطور چنین قراردادی را با این دولت منعقد کرده است؟ پس وقتی که ثابت شد که دولت انگلیس عقیده به استقلال این مملکت و سایر ممالک ندارد، وقتی که دول اروپا می‌خواهند دول آسیا را زبون و ناتوان و از آنها سوء استفاده کنند، چطور ما میتوانیم معتقد بشویم که این دول می‌خواهند دول

مشرق استقلال پیدا کنند یا اگر استقلالی دارند استقلال خود را از دست ندهند. این مسئله بکلی بهمه ثابت شده و کسی نیست این مطلب را تصدیق نکند که دول اروپا و دول بزرگ می‌خواهند ممالک مشرق را استعمار کنند، می‌خواهند در مملکت خود بنشینند، راحت زندگی کنند، و مردمان این ممالک را بیچاره و ناتوان نمایند. این قضیه بر هر کسی روشن است دیگر من در این باب نمی‌بایست استدلالی بکنم. تمام عهدنامه‌های قرن نوزدهم حاکی از این مطلب است که هر وقت یک دولتی در یک جایی، در یک محلی بکار خود مشغول بوده در آنجا وارد شده‌اند و دولت را تسخیر کرده‌اند. بدیهی است وقتی که دولت انگلیس منافعی را می‌خواهد از مملکتی ببرد برای این کار چه باید بکند؟

این دولت در همه جا باید از خود عمالی بگمارد که این منافع تأمین شود. این عمال در همه جا هستند. نمیتوانند نباشند. اگر شما بفرمائید که در جاهای مؤثر عمال دولت انگلیس نباشند هیچکس از شما این مطلب را قبول نمیکند. عمال انگلیس در مجلسین، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه و ملت، عمال انگلیس در دربار همه جا وجود دارند. من می‌خواهم عرض کنم برای این که ذهن شاه جوان بخت ما را مشوب بکنند میدانید چه کرده‌اند؟ روزی که من در این مجلس متوقف بودم جناب آقای وزیر دربار تشریف آوردند و فرمودند یک وقت مبادا در این مملکت چتر باز بیاید. گفتم چتر باز. چتر باز کجا بیاید. عرض کردم آنوقتی که ما و مردم از چتر باز می‌توسیدیم وقتی بود که دولت ایران را دولت انگلیس آورده بود، بدولت میگفت هم خودت بترس هم مردم باید بترسند. اما این دولت که دست نشاندۀ دولت انگلیس نیست، هرگز قبول نمیکند که انگلیس این قدر عاقل نباشد که در این وضعیت دنیا در این مملکت چتر باز بیاورد. بعد فرمودند مملکت یک وقت جمهوری نشود عرض کردم کی می‌خواهد جمهوری بکند؟ فرمودند بشما که نمی‌گویم، یک اشخاص افراطی در اطراف شما هستند، ممکن است که آنها مملکت را جمهوری بکنند. عرض کردم که بنده از این اشخاص اطلاعی ندارم و تصور نمیکنم که چنین اشخاصی در این مملکت باشند. بعد من برای این که ذهن شاهنشاه جوان بخت ما بمن که در این مجلس بشاه و قرآن قسم خورده‌ام مشوب نشود، من که همه میدانند در دوره ششم یکی از وکلا نبود که قسم نخورده باشد ولی پیدر شاه قسم نخورده‌ام و در این مجلس به شاهنشاه جوان بخت خود قسم خورده‌ام و یک آدمی بی‌شرافت نیستم که باین شاهنشاه جوان بخت که مرا از زندان پدر تاجدار خود خلاص نمود خیانت بکنم یا اگر کسی بخواهد باین شاه خیانت بکند من از او جلوگیری و یا او را محکوم بآن مجازاتی که لازم است نکنم، روی این اصل بشاه عریضه‌ای عرض کردم. در آن وقت سر لشکر حجازی رئیس شهربانی بود که از او راضی نبودم و او را برکنار کردم و میبایست رئیس شهربانی دیگری به شاه پیشنهاد بکنم. در این عریضه نوشتم که چون مدت خدمت من مربوط بانقضای کار نفت است هیچوقت یک رئیس شهربانی را باعلیحضرت همایون شاهنشاهی پیشنهاد نمیکنم. برای اینکه خاطر شاه مطمئن باشد، برخلاف نظر افراطیونی که باعلیحضرت همایونی عرض کرده‌اند، من هیچوقت حاضر نمیشوم که این مملکت رو بجمهوری برود. طبیعی است که اگر یک رئیس دولتی بخواهد مملکت را جمهوری بکند یا اگر رئیس دولتی بخواهد تغییر وضعیت بدهد مگر سابقه اینکار در مملکت نیست که پدر تاجدار شاه همه این مقامات را در دست گرفت. ایشان هم شاه بودند هم رئیس الوزراء بودند هم وزیر جنگ بودند هم رئیس شهربانی بودند و هم وکیل بودند و همه کاره بودند. برای اینکه بتوانند بمقصد برسند من که فقط یک امضاء یا چند امضاء در روز در مکاتبات نخست وزیری میکنم، من که چنین چیزی در چپته خود ندارم، با چه قوه‌ای میتوانم مملکت را جمهوری بکنم؟ این بود که حضور اعلیحضرت شاهنشاه عرض کردم

من رئیس شهربانی را پیشنهاد نمیکنم تا خود اعلیحضرت بهر کس اطمینان دارند انتخاب بفرمایند. روی این اصل چند روز بعد آقای سرلشکر زاهدی آمدند و گفتند اعلیحضرت میفرمایند که سرلشکر بقائی چطور است. عرض کردم من باین کار دخالت نمیکنم هر کس را که اعلیحضرت صلاح میدانند خودشان تعیین بفرمایند. بعد از چند روز سرلشکر بقائی رفت بشهربانی و یک تصدیقنامه‌ای که سی سال قبل از این که ایشان در آذربایجان متصدی شهربانی بودند داده بودم و اظهار رضایت کرده بودم این تصدیق را نزد من فرستاده بودند و گفته بودند که من همان کسی هستم که مورد اعتماد خودتان هم هستم و این است تصدیق نامه من. من آقای سرلشکر زاهدی گفتم که آقای سرلشکر بقائی بسیار آدم مال اندیشی هستند که سی سال قبل از این از من تصدیق گرفته اند. ایشان رفتند در شهربانی مشغول کار شدند. همه میدانند در روز اول مه عده ای نگران بودند از عملیات بعضی از دستجات که ممکن است وقایعی روی بدهد و همچنین در روزی که یک عده رژه با دو چرخه دادند باز این نگرانی حاصل بود. من بتمام مسئولین بوسیله رئیس شهربانی گفتم که شما میبایست بقدر کافی قوه داشته باشید ولی شما نمیبایست شلیک بکنید مگر وقتی که لازم باشد آنها با اجازه من و بر طبق قانون. البته مأمور جزء حق ندارد شلیک کند و این درس را بخود من داده بودند که در دوره چهاردهم موقعی که من را می آوردند باین مجلس یک عده ای نظامی شلیک کردند معلوم نشد برای چه شلیک کردند و شلیک یکی از آنها برای من بود ولی بمن نخورد و کمانه کرد و رفت و خواجه نوری در این ایوان از بین رفت و هیچکس در این باب پرسش و سؤال نکرد و چون این مطلب بر من معلوم بود که ارتش ما ممکن است اغفال بشود و هر عیب بشود این بود که من دستور اکید داده بودم هیچکس نمیبایست شلیک بکند مگر اینکه این شلیک با اجازه رئیس شهربانی و البته با اجازه خود من باشد و من در این شهر بودم و رئیس شهربانی با وسائل رادیو و با وسائل بلندگو از همه وقایع مطلع بود و میتواند بخود من هم بگوید و در صورت لزوم و اگر لازم بود شلیک کند و اشخاصی که برخلاف انتظامات عمل میکردند بجای خود بنشانند. در روز ۲۳ تیر ماه که آقای سرلشکر بقائی رئیس نظامیه بود از نظر اینکه باز ذهن اعلیحضرت را مشوب نکنند بهیچوجه در کار شهربانی دخالت نکردم، دستوری ندادم، چیزی نگفتم، و وقایع روز ۲۳ تیر در این شهر بمیان آمد و اکنون که گزارش هیئت نفتیشیه مملکت رسیده است در این گزارش گفته شده است که مأمورین شهربانی عده زیادی را مقتول کرده اند. مأمورین شهربانی در پرسشهای خود گفته اند سرلشکر بقائی در خانه خود نشسته بود و بوظیفه خود عمل نکرده است. من صراحتاً میگویم تا این دولت هست این اشخاصی که برخلاف مقررات بمردم بیگناه شلیک کرده اند باید بمجازات برسند و اگر این دولت موفق نشود این اشخاص بی پرنسیپ، این اشخاصی که طبق مقررات و سوابق رفتار نکرده اند بمجازات خود نرسند این مملکت قادر نیست بهیچ وجه نظاماتی برقرار کند. دولت باید همیشه جنبه عدل و عدالت را در نظر بگیرد. دولت نباید نگاه کند که این دسته موافق دولت است یا آن دسته مخالف دولت است. اصلی که فرموده اند الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظالم و یکی از فلاسفه اروپا گفته است که فاتحین حقیقی آنهاست هستند که عدالت طلبند دیگران مثل سیل هائی هستند که در گذرند. تا دولت عدالت را پیشه خود نکند، تا دولت انتظامات را در جامعه برقرار نکند اصلاً دولت مفهومی ندارد، هر ج و مرج در تمام مملکت حکمفرما میشود و یکرؤزی میرسد که ما نمایندگان هم در این مجلس نمیتوانیم یک کلمه حرف بزنیم. شما نمایندگان باید دولت را تقویت کنید. باید دولت را کمک و یاری بکنید تا دولت بتواند نظم را در این مملکت برقرار کند. شرکت سابق نفت انگلیس روی همان اصلی که عرض کردم تا دولت انگلیس بهره

و منافع در این مملکت نداشته باشد از این مملکت حمایت نمیکند. پنجاه سال متصدی معادن نفت جنوب بوده است، یعنی صاحب امتیاز بوده، شما بروید دفاتر دولت را تفتیش کنید به بینید آیا در این پنجاه سال بقدر عایدات یکسال قبل به این مملکت پرداخته یا نپرداخته و بعد تفتیش کنید و به بینید آنچه را که پرداخته دولت توانسته از آن وجوه پرداختی به منافع حقیقی ملت استفاده کند؟ بنده نمیخواهم وارد هیچیک از این مسائل بشوم. بنده عرض میکنم منافع انگلیس در این مملکت بسیار بوده و اکنون هم بسیار هست. انگلیس حتی المقدور ولی برخلاف مصلحت نمیخواهد از این منافع صرفنظر بکند. یک روز ممکن بود این منافع را انگلیس ببرد که کسی هم بیدار نباشد چیزی نگویید و رقیبی هم در مقابل او نباشد و او با کمال آسایش و آسودگی از این مملکت استفاده کند. ولی امروز که مردم این مملکت بحقیق مطلع شده اند، امروز که مردم مملکت میدانند کار انگلیس چیست، امروز که انگلیس در این مملکت رقیب دارد، باید سعی کند که استقلال این مملکت محترم شمرده شود، اگر استقلال این مملکت را انگلیس محترم نشمرد از دیگران نمیتوانیم تقاضا کنیم که استقلال ما را محترم بشمارند. عقیده دوم، چون عرض کردم سه عقیده است، عقیده دوم مربوط به اشخاصی است که تمایل بمرام چپ دارند. این اشخاص چون قادر نیستند که مرام خود را عملی کنند، چون افکار مردم با این مرام مخالف است، اینها استمداد از افراد چپ دیگران میکنند. بنده عرض میکنم که هیچکس حاضر نیست در این مملکت نفوذی غیر از نفوذ ملت ایران وارد بشود. این مملکت باید بحال خود بماند، این مملکت باید استقلال خود را در مقابل دول مجاور اعم از بزرگ و کوچک حفظ کند. هیچ دولتی حق ندارد مستقیماً یا بوسیله افرادی که مرام او را تبلیغ میکنند در این مملکت دخالت کند. ایران میبایست سیادت و عظمت تاریخی خود را اگر هم قدری از آن از دست رفته بدست بیاورد. ایران هیچوقت حاضر نیست که این دول بزرگ بنام یک مختصر کمکی بگویند ایران یک دولت عقب افتاده ای است و باید بدولت ایران کمک کرد. دولت ایران هیچوقت حاضر نمیشود یک چنان اسمی روی او بگذارند و دولت ایران میخواهد از مال حلال خود، مالی که متعلق بخودش است، مملکت خود را اداره بکند. عقیده سوم عقیده وطنپرستان ایران است، آنهایی که میخواهند مملکت ایران عظمت تاریخی خود را حفظ کنند. بیروان این عقیده میگویند دولت ایران هر چه دارد باید در دست خودش باشد. نفت هم یکی از آن چیزهایی است که مال ایران است باید در دست ایران باشد. مراد از دست ایران این است که کسی از این عایدات سوء استفاده نکند، کسی بناحق یک قسمتی از این عایدات را بخود تخصیص ندهد. آقایان محترم میدانند که دولت انگلیس دو پیام به دولت ایران فرستاد و من به هیچیک از دو پیام جواب ندادم. چرا ندادم؟ برای اینکه اگر من جواب میدادم و نظر آنها را قبول میکردم و آنها هم نماینده میفرستادند و نماینده آنها را دست خالی روانه میکردیم بدتر از این بود که من جواب نداده ام. البته ما اگر میدانستیم که نمایندگان دولت انگلیس می آیند اینجا و مطالبی در حدود قانون در حدود انصاف و عدل اظهار میکنند. چه از این بهتر بود که دولت انگلیس که تا کنون هیچوقت به این مملکت نماینده نفرستاده و حتی شاه این مملکت را بمملکت خود برده به این مملکت نماینده نفرستد و با دولت ایران وارد مذاکره شود. علت اصلی این مسئله این بود که من یقین نداشتم که دولت انگلیس نماینده ای نفرستد و با ما بخواد از روی حق و عدالت رفتار کند. ندادن جواب سبب شد که حضرت ترومن رئیس جمهور امریکا پیامی بمن بدهند و مرقوم بفرمایند که جناب آقای هریمن را برای ارتباط بین ایران و انگلیس روانه میکنند. من به پیام رئیس جمهوری جواب مثبت دادم و میدانستم که جناب آقای هریمن یک شخصی است که هیچوقت نمیخواهد شخصیت خود را در جامعه بین المللی از بین ببرد. یک شخصی است که

میخواهد با کمال نصفت ارتباط بین ایران و دولت انگلیس برقرار شود. ایشان تشریف آوردند و داخل مذاکره شدند و روی همان اصلی که من اطمینان نداشتم که اگر نمایندگان انگلیس بیایند مذاکرات بلا نتیجه خواهد ماند از ایشان تقاضا کردم که یک فورمولی بنویسیم که مذاکرات روی آن فورمول آغاز شود و ایشان قبول فرمودند و ما یک فورمولی که مرکب از چهار ماده بود نوشتیم دولت انگلیس هم آن فورمول را قبول کرد. یکی از آن مواد فورمول این بود که دولت انگلیس ملی شدن صنعت نفت را بدولت ایران اعلام کند همینطور هم شد و بعد از اینکه این اعلام بما رسید نمایندگان انگلیس تشریف آوردند اینجا و بمذاکرات پرداختند. من زائد میدانم بشما عرض کنم و این برای من که ایرانی هستم ننگ است که به شما بگویم آقای استوکس ساعت اولی که آمده بود عقاید دیگری داشت و وقتی که میرفت عقاید او بکلی تغییر کرد. یعنی اشخاصی رفتند با او گفتند پدر عزیز اگر شما چنین کاری بکنید و از این مملکت بروید ما بی پدر میشویم. شما در این مملکت بمانید و از ما صاحبی بکنید. من این مطلب را هرگز نمیخواستم در مجلس شورای ملی ایران عرض بکنم برای اینکه ممکن بود بگویند که این مطلب خلاف واقع است ولی همین خبری که دیروز از انگلیس رسیده و برای شما قرائت میکنم « لندن - انگلستان در اثر وصول گزارشاتی از تهران دائر باینکه محافل سیاسی ایران مقاومت بیشتری در مقابل سیاست آقای دکتر مصدق نشان میدهند روش خود را نسبت به آقای دکتر مصدق خشن تر کرده است » این خبری است که از لندن رسیده است و امیدوارم که قبول بفرمائید که این (نص) حدیث است و تردید ندارد. جناب آقای استوکس در نتیجه اعمال نفوذ همان اشخاصی که عقیده داشتند که اگر ایشان موفق نشود بی صاحب میشوند (در اینموقع یادداشتی به آقای نخست وزیر رسید).



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

خبر این است :

وزارت امور خارجه انگلستان یگانه امیدش بسته بآن است که نمایندگان شورای ملی از دولت آقای دکتر مصدق در مورد ارسال اولتیماتوم بانگلستان پشتیبانی نمایند. چنانکه در جلسه روز ۵ شبه بیش از ۴۸ نفر در جلسه حاضر نشدند در صورتیکه حداقل عده از برای تشکیل جلسه ۶۲ نفر میباشد.

جناب استوکس ۸ ماده بدولت پیشنهاد کردند که من نمیخواهم در جزئیات آن ۸ ماده وارد شوم چون ۸ ماده را روزنامه های امریکا توضیح و تفسیر کرده اند و بنده با توضیحات آنها نمیخواهم در این مجلس موجب تصدیع آقایان را فراهم کنم. اما آنچه را که خود ایشان بیان میفرمودند بطور خلاصه عرض میکنم. ایشان میفرمودند که شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران وجود ندارد. بسیار خوب خیلی متشکریم ولی آن شرکت خارجی یعنی همین شرکت نفت انگلیس و ایران که در خارج هست میخواهد مقدار مهمی نفت از این مملکت خریداری کند. بسیار خوب اینهم خیلی خوب چیزی است، هرکس موافق است، مگر آقایان مخالفید که آن شرکت از ما نفت بخرد. بعد گفتند مدت این معامله ۲۵ سال باشد. بسیار خوب، برای بنده این ابدا اهمیت ندارد، بگذارید مدت معامله ۲۵ سال باشد، چون هر سال ما نفت را بنرخ بین المللی میفروشیم چه اهمیتی دارد که دولت انگلیس که دوست ماست دولت انگلیس که سالها با ما لاف دوستی میزند ۲۵ سال از نفت ما منتفع بشود، ۳۰ سال بشود چه اشکالی دارد، وقتیکه نرخ بین المللی روز باشد هر چه باشد باشد. بعد گفتند که آن شرکت خارجی که این مقدار نفت را میخرد باید اطمینان داشته باشد که این مقدار نفت باو برسد. گفتم خوب چکار کنیم بله؟ گفت آن شرکت خارجی باید یک آژانس اینجا داشته باشد یا بطور قطع یک مدیر انگلیسی داشته باشد

که عملیات شرکت را اداره بکنند. بعد از اینکه شرکت عملیاتش تمام شد صورت حساب را بشرکت ملی نفت بدهد و پنجاه درصد از منافع این شرکت را برای عملیات خودش بردارد. بنده گفتم آقا وقتیکه قرارداد وثوق الدوله منعقد شد (بایشان نگفتم پیش خودم اینطور فکر کردم که در قرارداد وثوق الدوله هم در ماده اول استقلال ایران را تضمین میکرد) ولی در ماده دوم و سوم ارتش و هالیه ایران را در تحت نظارت مستشاران انگلیسی قرار داده بود که قرارداد مزبور بواسطه مخالفت صریح ملت ایران و ورود دولت شوروی در صحنه سیاست این کشور که لغو مطالبات خود و کاپیتولاسیون را قبول نمود و وجهه فوق العاده پیدا کرد از بین رفت. در این وقت من مجبورم که در این مجلس تشکرات دولت ایران را از دولت امریکا بکنم که در آن موقع « لانسینگ » که وزیر مختار دولت امریکا در ایران بود آزادیخواهان را تقویت کرد تا آنکه قرارداد انگلیس اجرا نشود. البته قرارداد انگلیس را کسی نرفت که امضایش را بکنند. قراردادی بود که وثوق الدوله « و کاکس » امضاء کرده بودند. اما اوضاع مملکت و مقتضیات مملکت بهیچوجه اجازه نمیداد که این قرارداد اجرا شود. وقتیکه من در فارس بودم آقای سیدضیاءالدین تلگراف کرد که من این قرارداد را لغو کردم. « ماژورمیک » قنصل انگلیس که با من بسیار دوست بود گفت که در انگلستان یک ضرب المثلی هست که میگویند بگریه مرده کسی چوب نمیزند؛ این قرارداد مرده است دیگر احتیاجی بچوب زدن نیست. این قرارداد از بین رفته بود ولی باز همان اشخاصی که تصور میکردند که اگر قرارداد انگلیس از بین برود بی صاحب و بی بدر میشوند رفتند و بدولت انگلیس گفتند که شما قرارداد چرا آوردید؟ این قراردادی که قشون ایران در نظارت انگلیس است البته مردم با آن مخالفند و رد میشود شما نباید اسمی از قرارداد بیاورید ولی خودش را بیاورید و این مسئله سبب شد که در این مملکت کودتا بشود.

آقای استوکس هم میخواستند امتیاز را برقرار کنند بدون اینکه اسمی از آن ببرند. من از ایشان پرسیدم که کار این شرکت ملی نفت چیست؟ وقتیکه شما یک مقدار زیادی نفت بخرید، وقتی که شما برای مدت ۲۵ سال نفت میبیرید و وقتیکه شما یک آژانسی اینجا برقرار بکنید که تمام کارهای نفت را بکنند در حکم امتیاز است. ایشان گفتند شرکت ملی نفت مثل چتری میماند که سایه روی این تشکیلات می اندازد. خلاصه پیشنهادات جناب آقای استوکس قابل قبول نبود. و بعد چون دیدند آتهائی که رفتند و بایشان تلقین کرده اند که این پیشنهادات را بدهند در جامعه نفوذ کلام و تأییری ندارند ایشان پیشنهاد خود را مسترد کردند. بعد روزهای آخر بنده بایشان عرض کردم که آقا ما با شما بموجب فرمولی که طرفین موافقت کرده ایم در سه موضوع میتوانیم داخل در مذاکره شویم. یکی مستخدمین و متخصصین انگلیسی است. دیگری قضیه خسارت و ضرر کمپانی و سومی منفعتی که شما میخواهید از این کار ببرید. در موضوع اول که متخصصین انگلیسی باشد شرکت نفت یک تشکیلاتی در سابق داشته است. تشکیلات سابق شرکت نفت به شعب و اداراتی منقسم میشده. رئیس اداره یار رئیس هر شعبه که انگلیسی بود با نهایت قدرت و اقتدار میتوانسته است اداره خودش را اداره کند. ما هم بآن رئیس همان اقتدارات را میدهیم. ما هم تمام قراردادهائی که متخصصین انگلیسی با شرکت سابق نفت امضاء کرده اند امضاء میکنیم. در این صورت جای نگرانی نیست که شما بفرمائید متخصصین انگلیسی زیر بار ریاست ایرانی نمیروند. در هر شعبه ایرانی است انگلیسی هست متخصصین انگلیسی در تحت نظارت یک رئیس انگلیسی هستند. بعد ایشان گفتند همان رؤسای شعب نیمخواهند زیر بار یک مدیر عامل ایرانی بروند. من بایشان عرض کردم که ممکن است که ما این کار را بیک صورت دیگری درست کنیم و آن این است که در هیئت مدیره شرکت ملی نفت وقتیکه اساسنامه شرکت

ملی نفت نوشته میشود پیش بینی کنیم که در هیئت مدیره عده‌ای از متخصصین بین‌المللی اروپا، از آنهایی که مورد توجه دول دمکرات هستند، وارد در هیئت مدیره بشوند و آنوقت متخصصین انگلیسی نمیگویند که ما زیر بار ایرانی نمیرویم و یک متخصص بین‌المللی رئیس این هیئت مدیره بشود و اینها مطالب و مذاکرات و پیشنهادات خود را بآن مدیر شرکت که یکی از متخصصین بین‌المللی است بدهند. فرمودند خیر متخصصین و مستخدمین انگلیسی بهیچوجه حاضر نیستند که در تحت ریاست یک غیر انگلیسی باشند. من بایشان عرض کردم حالا این مسئله را ممکن است معوق بگذارید.

روی دو مطلب دیگر که قضیه خسارت و دیگری قضیه منفعت است مذاکره کنیم اگر آن دو مسئله حل شد این مسئله سوم را من حاضرم بیک صورتی که موافقت حاصل بشود حل کنیم. ایشان فرمودند که من از دولت خود اجازه ندارم که تا قضیه اول حل نشده وارد مذاکره و حل دو قضیه دیگر بشوم. منم بایشان عرض کردم ما هم نمیتوانیم. ملت ایران، مجلس شورای ملی، دولت و همه خواهانند که شما اینجا بمانید و قضیه نفت حل بشود ولی وقتی که شما میفرمائید از دولت خودتان اجازه ندارید من نمیتوانم که شما را مجبور باقامت بکنم شما مختارید که هرطور صلاح میدانید عمل کنید. ایشان فرمودند که من میروم ولی مذاکرات معاق خواهد بود نه قطع شده عرض کردم که امیدوارم که شما بسلامتی هرچه زودتر برگردید و ما بتوانیم آن نتیجه‌ای که مطلوبه است تحصیل کنیم. ایشان تشریف بردند و موقع تشریف بردن بمنزل من آمدند برای تودیع. فرمودند که من شما (آدیو) نمیگویم بلکه (اروار) میگویم که دو مرتبه بیایم. من از ایشان تشکر کردم و عرض کردم که ما بانتظار مراجعت شما هستیم و امیدواریم که شما مراجعت بفرمائید و زودتر این قضیه‌ای که بفرمایش خودتان معوق است حل کنید. اکنون چند روز است که از این مسئله میگذرد و مطابق اخباری که جرائد داده اند و تلگرافهایی که از نمایندگان خودمان رسیده است آنها تصمیم دارند که دولت دیگری بیاورند تا بتوانند با آن دولت قراردادی که مطلوبشان هست منعقد کنند.

بنده خدا را بشهادت میطلبم که این مسئله اگر برای مملکت و برای استقلال ما مضر نبود از آمدن دولت دیگر ابدأ با کی نداشتم و یک دولت دیگری اگر در این صراط میبود خودم استعفا میکردم و باستقبال او میرفتم و او را میآوردم اما نمیتوانم مادامی که قضیه نفت حل نشده این سنگ را خالی کنم. ممکن است که دولت دیگری بیاورند و برخلاف مصالح ایران کاری بکنند آنوقت مردم میگویند تو که از کشته شدن باک نداشتی و برای کشته شدن حاضر بودی از کسالت چه باک داشتی. میخواستی در حال احتضار هم که بودی بمانی تا اینکار بصلاح مملکت حل بشود.

بنده تصور میکنم دولت انگلیس از این مسامحه‌ای که دارد میخواهد دولت و ملت ایران را بزانو دریاورد تا این که بتواند شرایط خود را تحمیل کند و من خدا را بشهادت میطلبم که این مسئله بکلی برخلاف مصالح بین‌المللی و خود دولت انگلیس است. آنوقت که ملت ایران بزانو درآمد دولت دیگری از دولت انگلیس قویتر هست که دولت ایران را ازین ببرد بنده در مجلس سنا یک اظهاراتی کردم و لازم است اینجام باستحضار آقایان محترم برسانم که مسائل ارزی ما بکلی مورد نگرانی است یعنی تا کنون شرکت نفت همراهی دومیلیون لیره خودش برای مخارجی که در ایران میکرد میآورد با بانک ملی معامله میکرد و یک لیره‌ای هم از بابت

حق‌الامتياز بدولت ايران ميرسيد. آنهم يك ارزي بود كه در دست ما بود و اكنون چون جريان نفت بكلي قطع شده اين ليره ها از دست ما رفته است و بهمين جهت بنده چندي قبل بمجلس شوراي ملي پيشنهاد كردم كه ۱۴ ميليون ليره كه حالا ميگيرند فقط ۱۲ ميليون ليره است از ليره نشتوانه باختيار دولت ايران بگذارند. براي اينكه آن كالاهاي ضروري كه بايد با ارز بقيمت رسمي معامله شود از قبيل قند و شكر و قماش بلا محل نشود آقايمان نمايندگان محترم مجلس شوراي ملي با پيشنهاد دولت موافقت فرمودند و من بايد تشكرات خود را از اين مساعدت عرض كنم و باستحضار آقايمان برسانم كه موجودي ليره ما از آن تاريخ فقط ۱۲ ميليون ليره است و ما ميبايست براي كالاهاي ضروري از آن ليره استفاده كنيم و كالاهاي درجه دوم را البته محول ميكنيم بليره هاي صادراتي كه اكنون هم ليره صادراتي خيلي كم است.

بديهي است كه دولت انگليس بحقايق امور بهتر و بيشتري از ما در اين مملكت مطلع است او ميداند كه اگر چهار ماه ديگر گذشت مردم اين مملكت ميآيند بمجلس هجوم ميآورند بدولت هجوم ميآورند و آنوقت دولت انگليس ميگويد كه خوب من آلان حاضر هستم ده ميليون ليره بشما بدهم ۲۰ ميليون ليره بشما بدهم بياييد اين ليره ها را بگيريد چرا از اين دولت پشتيباني ميكنيد. آنوقت دريك چنين صورتي ميآيد و قرارداد خود را تحميل ميكند. اين است كه بنده از نظر اين كه چنين روزي پيش نيايد و دولت و ملت ايران بزانو درنيايد بطوري كه در جلسه مجلس سنا پيشنهاد كردم قائل شدم باینكه بدولت انگليس بطرز غير مستقيم يعني بوسيله جناب آقای هریمن كه رابط بين دولتين بود اعلام كنم تا ۱۵ روز ديگر شما نيائيد مطابق عدالت و نصفت آنچه را كه لازم است تمام كنيد دولت ايران باقامت متخصصين انگليسي در ايران خاتمه ميدهد يعني جواز اقامت اين اشخاص را باطل ميكند. و دليل آن هم اين است تازماني كه اين متخصصين انگليسي در اينجا هستند نه ما خودمان قدرت ميكنيم كه بي جهت يك متخصصيني با مخارج زياد از ممالك ديگر بياوريم و يك مخارج زيادي بكنيم. چون يك متخصصيني هستند كه از تمام ممالك بما پيشنهاد ميكنند. از تمام جهات پيشنهاد گشتي داده اند و از خيلي ممالك هم پيشنهاد خريد نفت را داده اند ولي البته هيچكس نميخواهد كه پيشنهادي بدهد و وارد عمل بشود مادام كه مطمئن نيست دولت ايران ميتواند بآنها نفتي بدهد و تا متخصصين انگليسي در اينجا هستند ما نميتوانيم متخصصين ديگري را استخدام كنيم و تا اين متخصصين انگليسي هستند ممالك ديگر نيائند با ما معامله كنند. مطابق اخباري كه ديشب داشتم شركت سابق نفت انگليس بدنيا اعلام کرده اين نفتي كه در ذخيره ايران است مال من است و هر كس كه اين نفت را ببرد من او را تعقيب ميكنم. اين نفت مال من است و متخصصين انگليسي برحسب مقررات دادگاه بين المللي لاهه كه اصلاً با صلاحيت آن اعتراض كرديم و همچو چيزي هم نكفته است بايد در مملكت ايران باقي باشند. بنده اين عرايض را با شرح و بسط بسمع آقايمان محترم برسانم كه اگر رأي ميدهند نفرمايند كه اين دولت توضيحات لازم را نداده و آقايمان نمايندگان محترم را روشن نكرده ام و آقايمان محترم رأيي كه دادند بدون مطالعه بوده است. اين بود كه خواستم تمام جريان را بعرض آقايمان برسانم. در اينجا يكي از آقايمان نمايندگان مينويسد كه انگلستان يکروز ما را ببردن متخصصين تهديد ميکرد و حالا بماندنشان تهديد ميکند. بنده هيچوقت نميخواهم عرض كنم كه اين دولت در اتخاذ تصميم مسامحه ميکند. ترديد نداشته باشيد. ولي عقیده ما اين است مادام كه متخصصين انگليسي در اين مملكت هستند اول ميگويم كه دولت انگليس اگر نفت ميخواهي بيا با ما معامله كن. اگر كمپاني ضرر کرده خسارت ميخواهد ما با سه طريق حاضر هستيم

که خسارت کمپانی را رفع و جبران کنیم. یک طریق این است که از روی قیمت سهام خود کمپانی، بجهت اینکه سهام هر شرکت نماینده سرمایه آن شرکت است سهام هر شرکتی که در هر جا به مبلغ که فروش میرود نماینده سرمایه شرکت است. بنابراین یکی از روی سهام و دیگر از روی هر قانونی که در تمام دنیا برای ملی شدن صنعت نفت وضع شده و آن قانون بحال شرکت مفید تر است، اعم از این که آن قانون انگلیسی باشد یا در ویزولا یا در مکزیک یا در سایر جاهایی که آمده اند و یک چیزهایی را ملی کرده اند. قسمت سوم هم این است که ما با هم دوست هستیم، ما که دوست همدیگر هستیم، ما که ۵۰ سال با هم روابط داشته ایم، با هم می نشینیم و این مسائل را جمع بغرامت شما و راجع بمطالبات دولت ایران را از شما دوستانه حل می کنیم و باین سه طریق هم حاضریم. اما راجع بنفت بنده میگویم وقتی که دولتی نفت خودش را بقیمت بین المللی در خلیج فارس می فروشد، وقتی که دولت ایران تمام مخارج بهره برداری را خودش میپردازد، مطالبه دولت انگلیس از این منافع یک باجی است که در قرن ۱۸ و ۱۹ دول اروپا از دول خراجگذار می گرفته اند. اکنون اجازه می خواهم آن چند صفحه ای که برای اینکار تهیه شده بود و در مجلس سنا هم قرائت شد در اینجا قرائت کنم:

در جلسه مورخ سی ام مرداد ۱۳۳۰ در مجلس سنا و سپس در مجلس شورای ملی جریان مذاکرات با هیئت نمایندگی انگلستان مشروحاً بعرض آقایان نمایندگان محترم رسید و اقدامات دولت مورد تأیید مجلسین قرار گرفت. پس از آن جناب استوکس و هیئت نمایندگی انگلستان در تاریخ ۳۱ مرداد و جناب هریمن در تاریخ اول شهریور از تهران حرکت کردند و مذاکرات بدون آنکه رسماً قطع شده باشد متوقف گردید.

اینک دولت لازم میداند در قبال این پیش آمد نظریات و تصمیمات خود را بعرض آقایان نمایندگان محترم مجلس سنا و مجلس شورای ملی برساند و با تصویب مجلسین در اجرای آن اقدام کند تا این امر حیاتی بیش از این دچار وقفه و تعطیل نباشد.

بطوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند روز دوشنبه سی و یکم تیر ماه ۱۳۳۰ در جلسه مشترک هیئت وزیران و هیئت مختلط فورمول ذیل اتخاذ گردید و عصر همان روز به آقای هریمن تسلیم شد و بواسطه ایشان مورد قبول دولت انگلیس واقع گردید اینک متن فورمول:

« در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود. »

۱) دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بتهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید.

۲) مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلاً درج میشود:

« بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهان امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. »

۳) درموقع مذاکره با آقای هریمین عین تعریف اصل ملی شدن مندرج در ماده فوق باطلاع ایشان برسد تا بعداً سوء تفاهمی در مذاکرات حاصل نشود و نیز یادداشتی را که نمایندگان شرکت سابق راجع بطرز قبول اصل ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان برسانند.

۴) دولت ایران حاضر گردید راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود.

بطور خلاصه در نتیجه فورمول فوق از طرفی دولت انگلستان بوکالت از شرکت سابق نفت و از طرف خود اصل ملی شدن صنعت نفت را باین کیفیت که تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت باشد برسمیت شناخت و از طرف دیگر دولت ایران حاضر گردید راجع بطریق اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است با آن دولت وارد مذاکره شود.

چون برطبق قانون و فورمولیکه مورد توافق طرفین واقع شده است تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری باید در دست دولت باشد دولت ایران حاضر نیست در این امور مداخلات سازمانهای خارجی را قبول نماید ولی برای آنکه اداره و سازمان شرکت نفت ملی ایران از هر جهت مورد اعتماد و اطمینان مشتریان نفت و کارشناسان و متخصصین خارجی که در خدمت دولت ایران باقی خواهند ماند بشود در نظر دارد که در اساسنامه شرکت ملی نفت ایران هیئت مدیره ای مرکب از متخصصین ممالک بیطرف و کارشناسان ایرانی پیش بینی کند که امور اداری و فنی شرکت تحت نظر هیئت مختلط مزبور اداره شود.

نسبت بآن قسمت از فورمول که مربوط بمنافع انگلیس است با دولت انگلستان است نظر دولت ایران این است که دولت انگلستان در سه موضوع میتواند با دولت ایران وارد مذاکره شود.

متخصصین و کارشناسان فنی انگلیسی در نفت جنوب.

خسارات کمپانی سابق نفت جنوب با در نظر گرفتن دعاوی و مطالبات دولت ایران.

فروش مواد نفتی مصرف انگلستان.

۱) راجع به متخصصین انگلیسی بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند سازمان شرکت سابق نفت در ایران بقسمتهای اداری و فنی مختلف از قبیل اکتشاف و استخراج و تصفیه و غیره تقسیم شده و در رأس هر یک از آنها کارشناسان خارجی با اختیارات لازم و متناسب قرار داشته اند و دولت ایران در نظر دارد که اصولاً تشکیلات سابق را تا آنجا که با مقررات قانون ملی شدن صنعت نفت مبیانت نداشته باشد حفظ نماید و متصدیان امور و مسئولین قسمتهای فنی را با همان اختیارات در شرکت ملی نفت ایران استخدام کند.

۲) دولت حاضر است نسبت به دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت راجع بامیلمک آن بارعايت دعاوی و مطالباتی که دولت ایران نسبت بشرکت مزبور دارد رسیدگی کامل نموده و در تصفیه حقوق طرفین توافق کند.

۳) راجع بفروش نفت مطابق اظهاراتی که شده در سالهای اخیر کشور انگلستان برای کلیه مصارف خود تا معادل ده میلیون تن در سال از محصول نفت جنوب استفاده میکرده است. دولت ایران حاضر است این مقدار نفت را برای مدتی که با تراضی طرفین معین خواهد گردید بنرخ عادلانه بین المللی در هر سال براساس قیمت فوب در بندر ایران بفروشد و نصف قیمت آن را از بابت مطالبات شرکت سابق در هر سال حساب نماید.

اینها رؤس مسائلی است که دولت ایران حاضر است بر طبق آن مجدداً مذاکرات را آغاز نماید و امیدوار است در حدود آن توافق حاصل شود.

ولیکن مطالب دیگری را که هیئت نمایندگی انگلستان در ضمن پیشنهادهای خود اظهار کرده بودند از قبیل:

- ۱) استخدام کارشناسان انگلیسی بصورت قرارداد دسته جمعی،
- ۲) تأسیس یک سازمان عامل خارجی با اعطای اختیارات تام بیک مدیر عامل انگلیسی،
- ۳) انحصار فروش نفت جنوب ایران بیک شرکت انگلیسی،
- ۴) دادن تخفیفی در قیمت نفت که معادل سود شرکت ملی نفت ایران باشد، بهیچوجه برای دولت ایران قابل قبول نبوده و نیست.

یکی دیگر از پیشنهادهای آقای استوکس این بود که حمل و نقل نفت جنوب ایران بر عهده شرکتی باشد که ایشان پیشنهاد میکنند. بدیهی است آن مقدار نفتی که بانگلستان فروخته میشود بهر شرکتی که حواله کنند تحویل داده خواهد شد و نیز چنانچه سایر کشورهای خریدار نفت از ایران سهم خود را حواله نمایند ممکن است نفت خریداری شده آنها نیز تحویل آن شرکت گردد.

در آخرین جلسه مذاکرات با هیئت نمایندگی انگلستان دولت ایران اصول نظریات خود را با آقای استوکس تسلیم کرد و پس از آن لازم نمیدانست پیشنهاد دیگری بنماید ولی چون تاخیر در این امر سبب خواهد شد که عمال کمپانی سابق نفت سوء استفاده کنند و برای آنکه دولت ایران را در نتیجه عدم تولید و فروش نفت گرفتار مضیقه مالی نمایند حاضر نشوند باین زودی داخل در مذاکره گردند دولت ایران در نظر دارد بر طبق نظریاتی که فوقاً بعرض رسید پیشنهاد نماید که در ظرف دو هفته از تاریخ پیشنهاد برای مذاکره حاضر شوند و یا چنانچه نظریات و پیشنهادهای متقابلی دارند اظهار نمایند. پس از انقضای مدت مذکور چنانچه جواب رضایت بخشی نرسد جواز اقامت کارشناسان انگلیسی در ایران لغو خواهد گردید.

دولت ایران بیش از این نمیتواند تأمل و بر دباری کند.

البته تصدیق میفرمائید تا زمانیکه کارمندان شرکت سابق نفت باین وضع در خاک ایران باقی هستند متخصصین کشورهای دیگر حاضر بخدمت در ایران نخواهند شد و مادامیکه کشورهای دیگر اطمینان حاصل نمایند که بساط کمپانی سابق بطور قطع در ایران برچیده شده و دولت ایران مسلط بر اداره امور نفت خود میباشد پیشنهاد خرید نفت عرضه نخواهند نمود.

و نیز لازم است بعرض برساند که بعد از اظهار نظریات در مجلس سنا از یکی از هموطنان پیشنهادی رسید باین مضمون که ممکن است مصرف کنندگان نفت در سه ساله اخیر یک شرکت بین المللی که دولت ایران هم در آن سهم و شریک باشد تشکیل دهند. حمل و توزیع نفت مصرفی آنها بعهده شرکت مزبور واگذار شود که دولت در تأسیس یک چنین شرکتی اشکال نمی بیند.

در خاتمه بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم که دولت در این نظری که اظهار نمود بتمام معنی

اعتماد وایمان دارد واین تصمیم دولت باید اجراء بشود وچنانچه نمایندگان که نمیخواهند کار شرکت سابق خاتمه پیدا کند وامروز درمجلس حاضر نشده اند این عدم حضور آقایان مانع از اجرای تصمیم دولت نیست دولت فردا درصدد اجرای تصمیم خود برمیآید وچنانچه نمایندگان غائب تصور میکنند که پیشنهاد دولت برخلاف مصالح مملکت است چه باک از این دارند که در جلسه دیگر حاضر بشوند و بمجلس اخطار بکنند وها بیائیم در اینجا تقاضای رأی اعتماد بکنیم و آنها رأی اعتماد ندهند درخاتمه بجناب آقای رئیس مجلس عرض میکنم که شما يك شخصی بودید که از اول خود را با آزادیخواهی بمردم معرفی کرده اید هیچوقت حاضر نشوید پرده پوشی کنید بفرمائید اسامی آن اشخاصی که امروز در مجلس حاضر نشده اند بلافاصله در روزنامه ها منتشر کنند .





اداره کل خدمات آرشیوی معاونت اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در
هفتادمین سالگرد تصویب قانون ملی
شدن صنعت نفت، متن کامل سه گزارش
دکتر مصدق را که حاوی مذاکرات حساس
بین‌المللی برای اعاده حقوق ملی ایران و به
رسمیت شناختن حق ملی شدن نفت ایران از
سوی دولت انگلیس است را منتشر می‌کند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران